

Conceptualization of regional value chains and their empowering mechanisms by study of three regional trade agreements

Amir Zakery¹, Amir Hossein Arabpour², Mohammad Sadegh Saremi³

- 1- Assistant professor in the school of Management, Economics and progress engineering, Iran University of Science and Technology, Tehran, I.R.Iran
- 2- PhD student in Business and strategic management, University of Tehran, Tehran, I.R.Iran
- 3- Technology Studies Institute, Tehran, I.R.Iran

Abstract:

Stopping the increasing trend of globalization as a result of various political and social developments has caused attention to be drawn from global value chains to regionalism and the development of regional value chains. This can be a special opportunity for our country, which has largely been deprived of the benefits of the globalization of production, but has good regional power and sphere of influence. The aim of this research is to understand the conceptual dimensions of the regional value chain in recent increasing studies and further to understand the place of regional agreements in the creation of these chains. For this purpose, based on the review of the research background, the recent studies in the field of regional value chain have been categorized first, and then a conceptual framework of the role of regional agreements in the development of regional value chains has been presented including four axes of the creation of trade, reduction of production costs, allocation of production factors, and incentives for competition and innovation. In order to understand more precisely the dimensions of the role of regional links as the central mechanism of creating these chains, a case study has been conducted on three important regional agreements including ASEAN, Eurasia and the Southern African Development Community (SADC) and their role in development. Regional value chains are explained. In this research, the key approaches for Iran's effective presence in regional production are presented by leveraging expected results from regional trade agreements.

Keywords: global value chain, regional value chain, foreign trade, regionalism, regional trade agreement.

DOI: 10.22034/jmi.2024.448541.3073

¹✉Corresponding author: zakery@iust.ac.ir

² a.arabpour@isu.ac.ir

³saremi@tsi.ir

مفهوم شناسی زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای و سازوکارهای تقویت آنها با مطالعه موردی سه پیمان تجارت منطقه‌ای



دوره ۱۸ شماره ۲ (پیاپی ۶۴)
تابستان ۱۴۰۳

امیر ذاکری^۱

امیرحسین عرب‌پور^۲

محمدصادق صارمی^۳

نوع مقاله: پژوهشی (تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۰۸) صفحات ۱۰۳ تا ۱۳۱

استادیار، دانشکده مدیریت، اقتصاد و مهندسی پیشرفت، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران.
دانشجوی دکتری مدیریت بازرگانی و راهبردی، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران
استادیار پژوهشکده مطالعات فناوری، تهران، ایران.

چکیده

توقف روند فزاینده‌ی جهانی‌سازی در نتیجه تحولات مختلف سیاسی و اجتماعی سبب شده است نگاه‌ها از زنجیره‌های ارزش جهانی به سمت منطقه‌گرایی و توسعه زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای جلب شود. این امر می‌تواند برای کشور ما که تا حد زیادی از مزایای جهانی شدن تولید محروم بوده است، ولی قدرت و حوزه نفوذ منطقه‌ای خوبی دارد، فرصت ویژه‌ای باشد. هدف این تحقیق شناخت ابعاد مفهومی زنجیره ارزش منطقه‌ای در مطالعات فزاینده اخیر و در ادامه آن فهم جایگاه پیمان‌های منطقه‌ای در ایجاد این زنجیره‌ها است. بدین منظور با اتکا به مرور پیشینه تحقیق ابتدا دسته‌بندی مطالعات اخیر در حوزه زنجیره ارزش منطقه‌ای صورت گرفته و سپس یک چارچوب مفهومی از نقش پیمان‌های منطقه‌ای در توسعه زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای در قالب چهار اثر خلق تجارت، کاهش هزینه‌های تولید، تخصیص عوامل تولید و مشوق‌های رقابت و نوآوری ارائه شده است. در ادامه برای فهم دقیق‌تر از ابعاد نقش پیوندهای منطقه‌ای به عنوان سازوکار محوری ایجاد این زنجیره‌ها، مطالعه موردی روی سه پیمان مهم منطقه‌ای شامل اتحادیه آ.سه.آن، اوراسیا و جامعه توسعه جنوب آفریقا صورت گرفته است و نقش آنها در توسعه زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای تبیین شده است. در این تحقیق رهیافت‌های کلیدی برای حضور موثر ایران در زنجیره‌های ارزش به کمک پیمان‌های منطقه‌ای ارائه شده است.

واژگان کلیدی: زنجیره ارزش جهانی، زنجیره ارزش منطقه‌ای، تجارت خارجی، منطقه‌گرایی، پیمان تجارت منطقه‌ای.

^۱ مسئول مکاتبات: Zakery@iust.ac.ir

^۲ a.arabpour@isu.ac.ir

^۳ Saremi@tsi.ir

۱- مقدمه

پراکندگی عوامل تولید در مناطق مختلف دنیا بر حسب مزیت‌ها، به عنوان زنجیره ارزش جهانی شناخته می‌شود و عامل خلق تجارت، به‌ویژه در کالاها و خدمات واسطه‌ای و گسترش آن میان کشورهای مختلف توسعه یافته و در حال توسعه شده است (Gereffi, 2019)؛ به‌گونه‌ای که تاثیر مستقیم بر رشد درآمد سرانه، اشتغال، بهره‌وری و تولید و صادرات این کشورها داشته است. بر اساس آمار سازمان تجارت جهانی در سال ۲۰۲۰ بیش از نیمی از کل تجارت دنیا در قالب زنجیره‌های ارزش صورت گرفته است (World Bank, 2020). از دهه ۱۹۹۰ تا آستانه بحران مالی جهانی در سال ۲۰۰۸، زنجیره‌های ارزش جهانی توسعه بی‌سابقه‌ای را تجربه کردند، اما پس از آن دچار افت شدند (United Nations, 2023). تحولات ناشی از همه‌گیری کووید-۱۹، حمله روسیه به اوکراین، افزایش جهانی قیمت‌های منابع طبیعی و تورم جهانی و همچنین نگرانی‌های اساسی در مورد موج جهانی‌سازی، زنجیره‌های ارزش جهانی را به سمت و سوی منطقه‌گرایی سوق داده است (Yu et al., 2023). به طوری که اکثر دولت‌های توسعه یافته در مواردی خواستار بازگشت تولید به خانه و محدود کردن تجارت به شرکای مطلوب سیاسی خود هستند (Pietrobelli et al., 2021).

از سوی دیگر، گروه‌بندی‌های منطقه‌ای که مبتنی بر توافق‌نامه‌های تجاری یا روابط اقتصادی نزدیک‌تر هستند، رو به گسترش است. از اواسط دهه ۱۹۸۰، تغییرات قابل توجهی در پراکندگی بین‌المللی تولید رخ داده و شبکه تولید جنوب-شمال، جایگزین شبکه تولید شمال-شمال به عنوان شکل اصلی چندپاره شدن زنجیره ارزش جهانی گردیده است. افزایش قابل ملاحظه موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای (RTAs) از ۲۲ عدد در سال ۱۹۹۰ به ۳۰۵ عدد تا سال ۲۰۲۰ شاهد این مدعاست (Yuzhu, 2020). در واقع، توقف افزایش سهم زنجیره‌های ارزش جهانی از تجارت جهانی بعد از سال ۲۰۰۸ و شکل نوسانی آن می‌تواند نشانه‌ای از ظهور فرصت ویژه برای رشد منطقه‌گرایی در زنجیره‌های ارزش به عنوان یک گزینه بدیل باشد. بطور مشابهی در چند سال اخیر تعداد مقالات و گزارش‌های مرتبط با زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای افزایش پیدا کرده؛ به عنوان مثال تعداد مقالات نمایه شده اسکوپوس که در کلیدواژه، چکیده یا عنوان بطور مستقیم عبارت «Regional Value Chain» آمده است، از کمتر از ۲ مقاله در سال تا قبل از ۲۰۱۳، به حدود ۵ مقاله در سال در بازه ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۰ و بیش از ۱۰ مقاله در سال‌های اخیر افزایش یافته، به نحوی که در سال ۲۰۲۱، ۱۴ مقاله منتشر شده است.

بطور خاص در مورد وضعیت فعلی حضور ایران در زنجیره‌های ارزش نکات مهمی قابل طرح است. اول اینکه حضور ایران در تولید جهانی عموماً در تامین نهاده‌های بالادستی (مشارکت از نوع تولید محدوده) بوده است (نجارزاده و همکاران، ۱۳۹۹)، که البته این امر هم با تشدید تحریم‌ها دچار تزلزل

¹ Regional trade agreements

شده است (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۴۰۲). در لایه قوانین بالادستی، اشارات متعددی به ضرورت حضور در زنجیره ارزش جهانی شده است (به عنوان مثال در قانون برنامه ششم توسعه (۱۳۹۶) و بطور خاص طرح ارتقای مشارکت فعالان اقتصادی در زنجیره تولید بین‌المللی (۱۴۰۱) مصوب هیئت دولت و همچنین در لایحه قانون برنامه هفتم ماده ۵۷ در قالب طرحی برای سهم گرفتن ایران از ترانزیت منطقه‌ای و جهانی توام با توسعه تولید)، اما هنوز سیاست دقیقی ناظر به واقعیت‌های جهانی و داخلی با عنایت به روندهای اخیر توسعه زنجیره‌های منطقه‌ای وجود ندارد. رویکرد دولت سیزدهم در توسعه ارتباطات اقتصادی با همسایگان و توسعه تجارت منطقه‌ای (سند تحول دولت مردمی، ۱۴۰۰) از نشانه‌های اولیه همین سیاست است. البته تاکنون محققین در ذیل این سیاست، برنامه مدونی برای «توسعه تجارت منطقه‌ای متکی بر مزیت‌های نسبی، رقابتی و ژئوپلیتیک کشور» که «ظرفیت تبدیل شدن به تجارت مستمر برای تولید فرامرزی میان ایران و کشورهای منطقه» را دارا باشد، مشاهده نکردند. لازم به تاکید است که عمده برنامه‌های فعلی ناظر به افزایش میزان تجارت دوجانبه با کشورهای منطقه است و به تعمیق تجارت و برقراری پیوندهای صنعتی میان بازیگران اصلی حول تولید مشترک رقابت پذیر یا به عبارت بهتر «تجارت برای تولید صادراتی» به عنوان ایده محوری در زنجیره‌های ارزش، به اندازه کافی مورد توجه قرار نگرفته است.

در سطح ایده‌ها و ابتکارات مجامع اندیشکده‌ای و سیاست‌پژوهی کشور، تلاش‌های خوبی در سال‌های اخیر با محوریت ارتقا جایگاه اقتصاد ایران در اقتصاد جهانی آغاز شده است (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۴۰۲). ارائه‌دهندگان این ابتکارات تلاش می‌کنند با لحاظ مولفه‌های سیاست صنعتی و ژئوپلیتیک و قدرت منطقه‌ای ایران، مسئله تعریف نقش اقتصاد ایران در اقتصاد جهانی را تحلیل کنند (فرتوک زاده، ۱۴۰۲) و یا ایده‌های مرسوم در خصوص ایفای نقش ترانزیتی کشور در تجارت بین‌المللی را با افزودن بُعد تولیدی و ایجاد ارزش افزوده از طریق فراوری مواد در طی مسیر ترانزیت، تکمیل کنند (تمنایی، ۱۴۰۲). برای تکمیل این تلاش‌ها همچنان نیاز به دستیابی به فهم بهتری از مفهوم و سازوکارهای تولید منطقه‌ای وجود دارد که خلا آن بطور جدی مشاهده می‌شود.

بر این اساس، سوالات پژوهش حاضر بدین شرح است: (۱) برای مفهوم‌شناسی دقیقتر از زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای چگونه می‌توان ابعاد مختلف آن در مطالعات روبه رشد اخیر را دسته بندی نمود؟ و (۲) پیمان‌های منطقه‌ای چه نقشی در توسعه این نوع از زنجیره‌های ارزش دارند؟ در این تحقیق با مرور تجربه پیمان‌های تجارت منطقه‌ای در توسعه زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای، نقاط برجسته و دلالت‌های این روند برای اقتصاد بین‌الملل ایران بیان خواهد شد. واضح است که پاسخ به این سوالات می‌تواند نگاه محققین و سیاست‌گذاران را به سمت استفاده از این فرصت برای توسعه تجارت کشور بیشتر جلب کند، خصوصا در شرایطی که فشارهای تحریمی سبب غالب شدن سیاست‌های جایگزینی واردات و کم شدن پیوندهای تجاری کشور شده و یک عامل تهدید برای اقتصاد کشور است.

ساختار تحقیق حاضر بدین ترتیب است که ابتدا در بخش مبانی نظری پژوهش دو محور زنجیره ارزش جهانی و منطقه‌گرایی مرور خواهد شد. سپس با مرور پیشینه تحقیق زنجیره ارزش منطقه‌ای، دسته‌بندی از تحقیقات این حوزه ارائه و بر اساس چارچوب مفهومی تحقیق در بخش سوم ارائه شده است. در بخش چهارم نتایج مطالعه موردی ۳ پیمان منتخب مورد بررسی قرار گرفته است و در بخش انتهایی به جمع‌بندی و بحث در خصوص نتایج تحقیق پرداخته خواهد شد.

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۲-۱. زنجیره ارزش جهانی

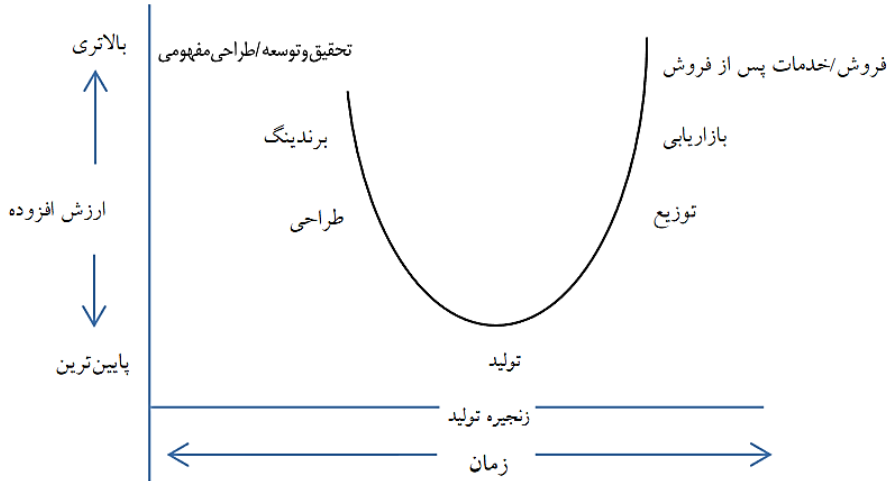
امروزه تولید بسیاری از محصولات در سطح جهانی می‌تواند حاصل ترکیب مواد اولیه، فناوری، سرمایه و انرژی چندین کشور باشد. زنجیره ارزش جهانی^۱ که در آن مواد اولیه با ترکیب عناصر دیگر تولید به محصولات نهایی تبدیل می‌شوند، دارای یک نظام مشخص و هماهنگ است که به طور پیوسته به تولید ثروت مشغول می‌باشد. زنجیره ارزش جهانی مفهومی نسبتاً جدید در ادبیات اقتصاد سیاسی بین‌الملل و بازرگانی بین‌الملل است. پیدایش و رواج این مفهوم در مطالعات اقتصاد سیاسی و بازرگانی بین‌الملل را می‌توان محصول ظهور، گسترش و تعمیق فرایند جهانی شدن، وابستگی‌های متقابل اقتصادی و انقلاب اطلاعاتی در دوران پساجنگ سرد دانست؛ روندهایی که برخی معتقد بودند به دهکده جهانی در ابعاد اقتصادی رنگ واقعیت می‌بخشد (Friedman, 2005). وقوع این تحولات باعث شده تا بخش عمده تولید، تجارت و سرمایه‌گذاری در جهان در قالب زنجیره‌های ارزش جهانی انجام گیرد؛ بدان معنا که مراحل مختلف فرایند تولید و عرضه کالا و خدمات در کشورهای مختلف صورت گیرد (شریعتی‌نیا، ۱۳۹۵: ۸۸). در ساختار زنجیره ارزش جهانی، محصول و خدمت نهایی توسط کشورها صادر نمی‌شود بلکه یک محصول یا خدمت ناتمام با حرکت در طول زنجیره ارزش در کشورهای مختلف به صورت نهایی خود درمی‌آید.

به بیانی دیگر، زمانی که در این زنجیره‌ها شرکت‌های بسیار متعدد در جغرافیایی بسیار وسیع درگیر باشند، زنجیره جهانی ارزش شکل می‌گیرد (OECD, 2015). این زنجیره از بخش‌های مختلفی تشکیل شده و میزان ارزش ایجاد شده در هر بخش با بخش‌های دیگر متفاوت است. مطالعاتی که در این مورد صورت گرفته زنجیره ارزش را به صورت «منحنی لبخند»^۲ تصویرسازی می‌کند (Mudambi, 2008) که از قسمت‌های مختلفی همچون تحقیق و توسعه، طراحی مفهومی، برندینگ، طراحی، تولید، توزیع، بازاریابی فروش و خدمات پس از فروش تشکیل شده است و بخش میانی نمودار یعنی تولید (به

¹ Global Value Chain

² Smile curve

معنای مونتاژ قطعات) در اهمیت کمتر و دو سوی نمودار یعنی تحقیق و توسعه و برندینگ دارای ارزش افزوده بالاتر هستند (Baldwin and Ito, 2021).



نمودار ۱. منحنی لبخند (World Trade Organization)

باید اذعان کرد جهانی سازی اقتصادی شبکه های تولید از دهه ۹۰ میلادی و تا پیش از بحران مالی ۲۰۰۸، تا حدی زیادی به ارتقای همگرایی و ادغام اقتصاد جهانی منجر شد و عملاً زنجیره ارزش جهانی را در نقش ستون فقرات و سیستم عصبی مرکزی تجارت جهانی قرار داد (Draper, 2012: 21). البته در ادامه بیان خواهد شد که امروزه دیگر روند جهانی شدن یک روند پرقدرت و نامحتمل تلقی نمی شود؛ به این معنا که هر چند تا پیش از این نیز تردیدهایی در مورد اینکه آیا نظم آنگلو ساکسونی همه کشورهای عضو زنجیره ارزش جهانی را همسو خواهد کرد، وجود داشت (Carr, 2005)؛ اما در یک دهه اخیر بطور خاص نیروهای موثری در جهت توقف و کند شدن و در برخی موارد معکوس شدن این روند به سمت جهانی زدایی^۱ پدیدار شده است (Livesey, 2018). با این حال زنجیره های ارزش جهانی در سطوح مختلف جغرافیایی (محلی، ملی، منطقه ای و جهانی) فعال هستند و همچنان به تکامل خود ادامه می دهند. شواهد جدید حاکی از آن است که ممکن است در پاسخ به عوامل مختلفی از جمله اهمیت روزافزون اقتصادهای بزرگ نوظهور و موافقت نامه های تجاری گرایش به منطقه ای شدن زنجیره های ارزش جهانی قوت بگیرد (Gereffi and Fernandez, 2016).

^۱Deglobalization

۲-۲. مفهوم منطقه‌گرایی

گرچه در طول حیات اجتماعی بشر، تلاش‌های متنوعی در راستای وحدت و یکپارچگی میان جوامع سیاسی صورت پذیرفته است اما جدی‌ترین حرکت برای همکاری‌های منطقه‌ای، پس از جنگ‌های جهانی اول و دوم و در چارچوب مناسبات جنگ سرد پیگیری شده است (عباسی اشلقی و دامن پاک جامی، ۱۳۹۲: ۶۶). این پدیده که موج نخست آن در اروپا با تشکیل جامعه اقتصادی اروپا در سال ۱۹۵۷ و انجمن تجارت آزاد در سال ۱۹۶۰ شروع شد، در سال ۱۹۸۶ با تصویب قانون بازار واحد اروپایی وارد مرحله جدیدی شد و پس از پایان دوران جنگ سرد و با شتاب گرفتن روند جهانی‌شدن اقتصاد، تشدید و تقویت شده است. به طوری که پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و رشد فزاینده صنعتی و اقتصادی آلمان و ژاپن در کنار ایالات متحده آمریکا، ترتیبات منطقه‌ای پیرامون این قطب‌های اقتصادی و تجاری شکل گرفت. منطقه‌گرایی امروز فراتر از اروپا رفته و در ساختارها و سازمان‌هایی چون اتحادیه آفریقا، آ.سه.ان،^۱ اکو^۲ و موافقت نامه تجارت آزاد آمریکای شمالی (نفتا)^۳ بروز یافته است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۷۱). در واقع، منطقه‌گرایی نه فقط دلالت بر افزایش فعالیت‌های بین کشورهای موجود در یک منطقه خاص ژئوپلیتیکی دارد بلکه همان مقدار همکاری‌ها را نیز تقویت و شدت می‌بخشد و همین امر باعث نوعی سازماندهی به مراودات اقتصادی منطقه‌ای خواهد شد (نجاززاده و دیگران، ۱۳۸۴: ۸۹-۶۷).

نکته قابل توجه آنکه در دنیای امروز، منطقه‌گرایی تنها به بهانه مختصات مشترک جغرافیایی حاصل نمی‌شود و ممکن است میان دو کشور از دو قاره متفاوت نیز رخ دهد (قنبرلو، ۱۳۹۵: ۱۰۱). بدین جهت عوامل تشکیل یک سازوکار منطقه‌ای مشترک می‌تواند شامل ویژگی‌های مشترک فرهنگی، اشتراک جغرافیایی، تهدیدهای امنیتی یا اقتصادی، منافع مشترک و وابستگی‌های تمدنی باشد (دهقانی فیروزآبادی و همکاران، ۱۴۰۰: ۸۳).

^۱ASEAN

^۲ECO

^۳NAFTA

در این راستا، منطقه‌گرایی جدید بر این ایده استوار است که پیشبرد همکاری‌های بین منطقه‌ای قوی و رفع موانع مختلف برای جریان آزاد عوامل تولید، افراد، داده‌ها و سرمایه می‌تواند سطح یکپارچگی منطقه را بهبود بخشد و به حداکثر رساندن منافع مشترک اقتصادهای منطقه کمک کند. همچنین می‌تواند به مقابله با چالش‌های مشترک مانند توسعه سبز، حکمرانی آب فرامرزی و مدیریت منابع طبیعی کمک نماید که به دلیل مرز مبهم حقوق مالکیت در سراسر مرزهای ملی، مسائلی پیچیده محسوب می‌شوند. اکنون که چندجانبه‌گرایی در سطح جهانی خنثی می‌شود، کشورها برای آسایش بیشتر در کنار هم جمع شده‌اند و ادغام بازارهای منطقه‌ای را برای به دست آوردن مزیت نامتقارن در جهانی‌سازی سرعت می‌بخشند (Yuzhu, 2020: 252). در این تحقیق سویه اقتصادی و تجاری بحث منطقه‌گرایی مد نظر محققین است که در ادامه بیشتر تشریح می‌شود.

۲-۳. زنجیره ارزش منطقه‌ای

منافع زنجیره‌های ارزش جهانی به صورت کلی، مناطق فقیرتر و کمتر توسعه یافته را پوشش نمی‌دهد و به استراتژی‌های توسعه منطقه‌ای کارآمد منجر نمی‌شود. از این رو، تقویت شبکه‌های اقتصادی محلی و منطقه‌ای به جای زنجیره‌های ارزش جهانی، یک الگوی توسعه جایگزین ارائه می‌کند که به غلبه بر عدم تقارن‌های قدرت شمال-جنوب (کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه) و توسعه ناهموار ناشی از آن کمک می‌نماید (Hulke and Diez, 2022). این موضوع منجر به علاقه فزاینده‌ای به نقش زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای در جوامع دانشگاهی و سیاستگذاری شده است (Pasquali et al, 2020: 368-369). هرچند مطالعات تجربی در مورد تکامل زنجیره ارزش منطقه‌ای، پویایی آنها و در نهایت نتایج آن هنوز محدود است. با این حال، زنجیره ارزش منطقه‌ای به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن «دو یا چند کشور عضو یک منطقه خاص به طور مشترک در تولید برای یک کشور دیگر یا برای خودشان درگیر هستند» (Stöllinger et al, 2018: 5-9). به عبارت دیگر، زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای سیستم‌های تولید و مصرفی را به تصویر می‌کشند که در سطح جهانی سازماندهی نشده‌اند، بلکه در یک منطقه شکل گرفته‌اند. از منظر برخی نظریه پردازان، جهانی شدن زنجیره‌های ارزش در سال‌های اخیر، هویت منطقه‌ای پررنگی نیز پیدا کرده است؛ بدین معنا که مناطق کلیدی اقتصاد جهانی، زنجیره ارزش خود را شکل داده‌اند و می‌توان از زنجیره ارزش آسیایی، اروپایی و زنجیره ارزش آمریکای شمالی نام برد. از این منظر، منطقه‌ای شدن زنجیره ارزش، موقعیت ژئواکونومیک کشورها را باز تعریف نموده است؛ به طوری که دیگر کشورها نمی‌توانند تنها به مزیت‌های نسبی خود توجه کنند؛ بلکه در روند سیاستگذاری‌های تجاری خود باید به مزیت‌های نسبی محیط همسایگی نیز توجه نمایند (شریعتی‌نیا، ۱۳۹۵: ۹۲).

برای مفهوم شناسی دقیقتر از حوزه زنجیره ارزش منطقه‌ای به عنوان یک روند روبه رشد در تحقیقات اخیر، لازم است ابتدا عواملی که سبب رشد مقوله زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای شده است، مورد بررسی قرار گیرد. تحولات مرتبط با همه‌گیری بیماری کرونا، جنگ روسیه و اوکراین و افول جایگاه

آمریکا در اقتصاد جهانی در نتیجه سربرآوردن چین و حتی تبدیل شدن جریان مقاومت اسلامی به یک نیروی موثر در نظم منطقه غرب آسیا، زنجیره‌های ارزش جهانی را دستخوش تغییرات عمیقی کرده و باعث توسعه سریع زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای شده است. در حوزه شوک‌های جهانی (مانند تنش‌های ژئوپلیتیک و همه‌گیری کرونا)، باید توجه داشت نظم جهانی همواره دستخوش تغییر و تحول مستمر است. شرکت‌ها به دنبال پیکربندی مجدد، متنوع‌سازی و در برخی موارد منطقه‌ای کردن زنجیره‌های تامین برای به حداقل رساندن قرار گرفتن در معرض شوک‌های خاص هستند (Petri and Plummer, 2023: 300-301).

در حوزه رقابت‌های فناورانه به ویژه در فناوری‌های نوظهور، زمانی که ایالات متحده آمریکا (در جنگ تجاری اخیر) به دنبال جدا شدن از چین و محدود کردن دسترسی به دارایی‌های حیاتی مانند فناوری و افزایش هزینه‌های دسترسی به بازارهای عرضه است، اجرای تعرفه‌ها در طیف وسیعی از بخش‌ها مستلزم سطح عمیق‌تری از جداسازی و منطقه‌گرایی است. در این راستا، ایالات متحده در مقابله با منطقه شرق آسیا و به ویژه چین، یک توافق تجاری با مکزیک و کانادا منعقد کرده است که دسترسی به منابع مکمل، از جمله مواد خام و نیروی کار ارزان را فراهم می‌کند (Enderwick & Buckly, 2020). با این حال، قدرت‌های نوظهور مانند چین از مرحله نوآوری‌های تقلیدی فراتر رفته و خود سردمدار سرمایه‌گذاری در فناوری‌های نوظهوری هستند که ممکن است اطلس قدرت جهان را دچار تغییر کند و این امر سبب ایجاد رژیم‌های فناورانه و عدم اشاعه فناوری و دانش میان رقبای اصلی از کشورهای توسعه یافته و نوظهور شده است (مانند ورود به زنجیره ارزش ریز تراشه‌ها). این امکان وجود دارد که به تدریج یک زنجیره ارزش چین محور ظهور کند و ابتکار کمربند-جاده عامل شتاب بخشیدن به این روند است (Enderwick and Buckle: 2020).

۲-۴. دسته بندی تحقیقات زنجیره ارزش منطقه‌ای

پیشران‌های منطقه‌گرایی از جنگ سرد تا کنون تغییرات چشمگیری به خود دیده است. بهبود همکاری‌های منطقه‌ای در یک بازار بزرگتر می‌تواند به افزایش تجارت و تقسیم نیروی کار منجر شود که در نهایت به ارتقای رشد اقتصادی یک منطقه کمک می‌کند (طهماسبی و همکاران، ۱۴۰۲: ۴۱-۴۲). یکی از بسترهای مهم تقویت منطقه‌گرایی اقتصادی، ایجاد نظام‌های همکاری‌های اقتصادی و تجاری در قالب ادغام‌ها و مشارکت‌هاست. ادغام منطقه‌ای^۱ (RI) و جهانی شدن دو مسیر فضایی متفاوت برای تولید چندبخشی هستند. با اینکه تا به امروز، هیچ تعریف روشنی از «ادغام منطقه‌ای» وجود ندارد اما از نظر ون‌گینکل، ادغام منطقه‌ای به فرآیندی اطلاق می‌شود که طی آن دولت‌ها در یک منطقه خاص سطح تعامل خود را با توجه به مسائل اقتصادی، امنیتی، سیاسی و همچنین اجتماعی و فرهنگی

^۱Regional integration

افزایش می‌دهند (van Ginkel, 2004). به طور کلی، مناطق یکپارچه با کاهش موانع تجاری، جریان کالاها را در داخل مناطق تسهیل می‌کنند. اتحادیه اروپا، منطقه تجارت آزاد آمریکای شمالی (نفتا) و آسیای شرقی، مناطقی هستند که بیشتر برای ادغام منطقه‌ای مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. منافع آزادسازی در صورت مشارکت کشورهای بیشتر در سطحی چندجانبه و درون منطقه‌ای بیشتر خواهد بود که در این چند دهه با گسترش چشمگیر ترتیبات تجاری منطقه‌ای، شاهد این مهم هستیم (بزرگی، ۱۳۹۵: ۱۴۷). برای مثال، چین و آلمان بیشتر تجارت منطقه‌ای دارند؛ زیرا مراکزی در زنجیره ارزش جهانی هستند که یک الگوی تجاری به عنوان هاب شبکه‌ها و ارتباط با کشورهای همسایه خود دارند. بنابراین، تجارت شدید نهاده‌های واسطه‌ای در زنجیره تولید منطقه‌ای وجود دارد، به طوری که شرکت‌های چینی و آلمانی برخی از مراحل میانی تولید را در کشورهای همسایه انجام می‌دهند (Araújo et al, 2021: 166).

فرقی نمی‌کند کشوری با کشورهای توسعه یافته یا کشورهای در حال توسعه تجارت آزاد داشته باشد و در بالادست یا پایین دست در زنجیره ارزش منطقه‌ای مشارکت داشته باشد، پیمان‌های تجارت آزاد، بازارهای منطقه‌ای را برای آن فراهم می‌کند و تجارت بین منطقه‌ای را گسترش می‌دهد که به این کشور کمک می‌کند تا به طور مستمر ارزش افزوده کسب کند (Yu et al, 2023: 5). ادغام منطقه‌ای را می‌توان با فشار قوی بخش خصوصی بر دولت‌ها تقویت کرد. برای تحقق این امر، بازیگران بخش خصوصی باید منافع تجاری قوی در دسترسی به بازارهای منطقه‌ای و کاهش سایر موانع همراه با زیرساخت‌های فرامرزی بهبود یافته داشته باشند (Black et al, 2021: 54). چگونگی تعامل حاکمیت دولتی و خصوصی در سطوح ملی، منطقه‌ای و جهانی بر شکل مشارکت شرکت‌ها در زنجیره ارزش منطقه‌ای موثر است. یکی از عوامل مهم «رژیم‌های تجاری» تحت تأثیر توافق‌نامه‌های تجارت ترجیحی منطقه‌ای و جهانی است. از آنجایی که تعرفه‌ها بین کشورهای در حال توسعه اغلب هنوز بالا هستند، موافقت‌نامه‌های تجارت ترجیحی و رژیم‌های تجارت منطقه‌ای می‌توانند به طور قابل توجهی بر جغرافیای منبع‌یابی شرکت‌های پیشرو تأثیر بگذارند (RUTA, 2017: 180). علاوه بر این، بر اساس داده‌های سازمان تجارت جهانی، بیش از ۳۰۰ توافق‌نامه تجارت منطقه‌ای (RTAs) در سال ۲۰۲۰ در حال اجراست (Asian Development bank, 2021: 25). در واقع، با استفاده از تجارت درون منطقه‌ای در ارزش افزوده به عنوان شاخص مشارکت در زنجیره ارزش منطقه‌ای، مشخص می‌شود که آزادسازی تجارت با کاهش تعرفه واردات کالاهای سرمایه‌ای، مشارکت کشورها در زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای را همراه دارد (Pasquali et al, 2020: 371). از این رو، ادغام منطقه‌ای اغلب به طور یکپارچه با گسترش زنجیره ارزش منطقه‌ای در هم تنیده است (Black et al, 2021: 40-41).

در تحقیقات سال‌های اخیر و با افزایش رقابت‌های سیاسی و ژئوپلیتیک میان مناطق مختلف (Hayakawa et al., 2023)، توجه بیشتری در تولید جهانی به مسئله مناطق شده است. برای مثال، برخی تحقیقات به بررسی و مقایسه نقش موقعیت (محل) در حوزه بین‌المللی شدن و یکپارچگی

منطقه‌ای در راستای تحلیل تغییرات ساختار شبکه‌های تولید در شرق آسیا پرداخته‌اند (Suder et al., 2014). از سوی دیگر، در ادبیات زنجیره ارزش جهانی نقش شرکت‌های رهبر بازار محوریت دارد اما در ادبیات زنجیره ارزش منطقه‌ای نقش دولت‌ها اهمیت زیادی پیدا می‌کند. برخی تحقیقات نقش سیاست‌های عمومی را در سه حوزه رژیم تجاری، رژیم سرمایه‌گذاری و رژیم کارگری از هم تفکیک نموده‌اند (Hulke & Diez, 2022) تا نشان دهند چگونه سیاست‌های عمومی کشورهای مستقر در یک منطقه می‌تواند به داخلی سازی و توسعه زنجیره تامین شرکت‌های رهبر بازار آن منطقه منجر شود. در یک تقسیم‌بندی دیگر از سیاست‌های حکمرانی زنجیره ارزش از منظر مشارکت عمومی - خصوصی، سه لایه نهادی موثر شامل محافظت بازار دولت، استانداردهای شرکت‌ها و اقدام جمعی جامعه مدنی برشمرده شده است (Pasquali et al., 2021).

ارتقای کشورهای نوظهور در تولید جهانی سوال بخش مهمی از تحقیقات این حوزه است. فارغ از این سوال بنیادین که هنوز پاسخ روشنی برای آن وجود ندارد؛ یعنی اینکه آیا زنجیره ارزش منطقه‌ای و زنجیره ارزش جهانی دو رویکرد همراستا هستند و یا بدیل یکدیگر، کشورهای نوظهور در مناطق مختلف دنیا توجه جدی به یکپارچگی منطقه‌ای نشان داده‌اند. سانگ و همکارانش سه رویکرد صنایع کشورهای نوظهور را شامل جایابی فعال در زنجیره ارزش جهانی، ایجاد زنجیره ارزش ملی و ایجاد زنجیره ارزش منطقه‌ای معرفی کرده‌اند و از میان آنها تلاش نمودند مسیر مناسب برای توسعه برخی صنایع فناوری پیشرفته چین را پیشنهاد دهند (Song et al., 2021). برخی محققین به بررسی تفاوت نقش برزیل در زنجیره‌های ارزش جهانی و منطقه‌ای پرداخته و نشان داده‌اند افزایش مشارکت برزیل در دو دهه گذشته در تولید منطقه‌ای بیش از تولید جهانی بوده است و می‌توان نقش جهانی برزیل را تامین کالاهای واسطه‌ای و نقش منطقه‌ای آن را یک هاب مهم تولیدی دانست (Fernandes de Araújo et al., 2021). به هر حال و با توجه به نیاز مبرم کشورهای در حال توسعه، منطقه‌ای شدن تولید را می‌توان یک راهبرد توسعه منطقه‌ای به صورت فراگیر دانست. از همین منظر، بانگا و بالچین (۲۰۲۲) به بررسی ظرفیت کشورهای جنوب آفریقا برای ایجاد زنجیره ارزش درون منطقه‌ای با محوریت کشور آفریقای جنوبی پرداخته و نشان داده‌اند کدام کشورهای آفریقایی و در چه حوزه‌هایی می‌توانند تامین کننده محصولات میانی در تولیدات جهانی کشور آفریقای جنوبی به عنوان رهبر زنجیره باشند. در جدول شماره ۱ دسته‌بندی از تحقیقات اخیر این حوزه ارائه شده است.

جدول ۱. دسته بندی مطالعات اخیر در حوزه زنجیره ارزش منطقه ای

منابع منتخب	دسته بندی تحقیقات
Yuzhu, 2020	مبانی منطقه‌گرایی و زنجیره ارزش منطقه‌ای
Yu et al., 2023 Pu et al., 2023 Song et al., 2021 Fernandes de Araújo et al., 2021	نقش پیمان‌های منطقه‌ای در توسعه زنجیره ارزش منطقه‌ای

منابع منتخب	دسته بندی تحقیقات
Pasquali et al., 2021 Hulke & Diez, 2022	نقش مشارکت عمومی - خصوصی در توسعه زنجیره ارزش منطقه‌ای
Song et al., 2021 Fernandes de Araújo et al., 2021 Yu et al., 2023	زنجیره ارزش منطقه‌ای و سیاست‌های ارتقای کشورهای نوظهور
Pasquali et al., 2021 Banga and Balchin, 2022	نقش زنجیره ارزش منطقه‌ای در رشد مناطق کمتر توسعه یافته
Hayakawa et al., 2023	اثر موج‌های ملی‌گرایانه بر زنجیره ارزش منطقه‌ای

منبع: یافته‌های تحقیق

همانطور که در جدول ۱ مشهود است بخش مهمی از تحقیقات این حوزه مرتبط با نقش پیمان‌های منطقه‌ای بر زنجیره ارزش منطقه‌ای است؛ زیرا توسعه پیمان‌ها و ابتکارات منطقه‌ای در سال‌های اخیر بر توسعه زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای اثر زیادی داشته است. به عنوان مثال، یو و همکارانش (۲۰۲۳) به این موضوع پرداخته‌اند که آیا منطقه آزاد تجاری چین و آ.سه.آن به حل مشکل قرار گرفتن چین در پایین زنجیره ارزش جهانی کمک می‌کند و یا در تحقیق دیگری مشخصات ساختاری شبکه اجتماعی تجارت کشورها و سیر تکامل آن در کشورهای طرح کمربند- راه چین بررسی شده است (Pu et al., 2023). برخی مطالعات نیز به تشریح سیاست‌های ارتقای نقش پیمان‌ها در زنجیره‌های ارزش جهانی پرداخته‌اند؛ از جمله آ.سه.آن یک چارچوب سیاستی ۵ بخشی شامل سیاست‌های نهادینه کردن زنجیره ارزش جهانی در استراتژی توسعه کشورها، توانمندسازی، ظرفیت‌سازی، ایجاد فضای زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی و همچنین هم‌افزایی سیاست‌ها و نهادهای متولی سرمایه‌گذاری و تجارت را پیشنهاد می‌کند.

۲-۵. مدل مفهومی نقش پیمان‌های منطقه‌ای در توسعه زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای

با بررسی صورت گرفته توسط محققین، ابعاد اثرگذاری پیمان‌های منطقه‌ای بر یکپارچگی منطقه‌ای در تحقیقات گوناگونی مورد بررسی قرار گرفته است. از جمله مطالعه یو و همکاران (۲۰۲۳) که به طور جامعی سطوح مختلف اثر پیمان‌های منطقه‌ای را بر شمرده است و همانطور که خواهیم دید شامل آثار کوتاه مدت مانند افزایش تجارت حاصل از کاهش تعرفه‌ها و همچنین آثار بلندمدت مانند افزایش انباشت دانش و ظرفیت نوآوری می‌شود. این سوال که آیا مشارکت در زنجیره ارزش منطقه‌ای بر جایگاه کشورها در زنجیره‌های ارزش جهانی اثر دارد، عموماً مورد توجه محققین است. در این تحقیق از مدل مفهومی ارائه شده در جدول ۲ شامل چهار حوزه اثر اصلی که یکپارچگی منطقه‌ای بر توسعه زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای و جهانی دارد، استفاده خواهد شد.

جدول ۲. ابعاد اثرگذاری پیمان‌های منطقه‌ای بر زنجیره ارزش منطقه‌ای و جهانی (اقتباس شده از یو و همکاران (۲۰۲۳) و تکمیل شده با سایر منابع)

منابع	شرح	بُعد
Yu et al, 2023; Pu et al., 2023	پیمان‌های منطقه‌ای باعث تسهیل تجارت و ایجاد روابط تجاری جدید (واردات و صادرات) می‌شود و افزایش قدرت ایجاد ارزش کشور در تولید جهانی را در پی خواهد داشت. در نتیجه، ایجاد یک موافقت نامه تجارت آزاد می‌تواند به طور قابل توجهی جریان تجارت و تنوع صادرات داخلی را افزایش دهد. افزایش سرمایه‌گذاری در تولید محصولات با دانش متوسط و بالا منجر به تحقیق و توسعه مستمر محصولات و ارتقای کیفیت محصول نیز خواهد شد که به معنای تولید محصولات با ارزش افزوده بیشتر برای بازارهای جهانی است.	اثر خلق تجارت
Yu et al, 2023; Fernandes de Araújo et al., 2021	پیمان‌های منطقه‌ای به دلیل نزدیکی جغرافیایی کشورها سبب کاهش هزینه‌های تعرفه‌ای و لجستیکی و حتی سایر هزینه‌های مبادلاتی خواهد شد که باعث کاهش هزینه تولید و افزایش کیفی و کمی تولید و تخصص‌گرایی و افزایش دانش نیروی کار و در نتیجه حضور بیشتر در تولید جهانی خواهد شد.	کاهش هزینه‌های تولید
Yu et al, 2023; Fernandes de Araújo et al., 2021	همانگی‌های منطقه‌ای منجر به ایجاد بازارهای بزرگتر با قوانین مشابه خواهد شد که خود سبب جذب سرمایه و مقیاس پیدا کردن تولید و خصوصاً تحقیق و توسعه می‌شود. در این بازارهای بزرگ، منابع نیروی کار و سرمایه دانشی بهتر می‌تواند جریان پیدا کرده و منجر به تخصیص کارای منابع شود. تحت تأثیر نهاده‌ها و بازارهای منطقه‌ای، کشورها مزیت‌های نسبی به دست می‌آورند که می‌تواند ساختار محصول نهایی صادرات کشورهای عضو را متحول کند و در نتیجه باعث تغییر در ارزش افزوده شود.	تخصیص عوامل تولید و ایجاد بازار منطقه‌ای
Yu et al, 2023; Song et al., 2021	آزادسازی نسبی بازارها سبب افزایش رقابت و در نتیجه نوآوری خواهد شد که باعث افزایش سهم ارزش افزوده داخلی کشورها و افزایش توان آنها برای رقابت در عرصه جهانی می‌شود. بازارهای منطقه‌ای تقاضا برای کالاها و خدمات را ایجاد می‌کند و به نیروی کار با مهارت بالا انگیزه می‌دهد تا در فعالیت‌های کارآفرینی شرکت کند. اگر بنگاهی بخواهد جایگاه بالاتری در زنجیره ارزش منطقه‌ای به خود اختصاص دهد، باید سطح فناوری و نوآوری محصولات خود را بهبود بخشد. رقابت بالقوه در بازارهای منطقه‌ای می‌تواند نوآوری در فناوری را تحریک کند.	مشوق‌های رقابت و نوآوری

۳- روش‌شناسی

رویکرد این پژوهش کیفی و از نوع مفهوم‌شناسی است. روش تحقیق پژوهش توصیفی-تحلیلی با تاکید بر تحلیل محتوا بوده و از مطالعه موردی استفاده شده است. با توجه به مطالعه همزمان چند پیمان منطقه‌ای به عنوان چند مورد مشابه و در عین حال مکمل، می‌توان روش تحقیق را «مطالعه موردی چندگانه» دانست. هر چند این روش عمدتاً در استراتژی پژوهش اکتشافی استفاده می‌شود، ولی این معتقد است می‌تواند برای استراتژی‌های پژوهش توصیفی یا حتی تبیینی (روابط علت و معلولی) نیز استفاده شود (Yin, 2003). در واقع در این تحقیق با توجه به اینکه قصد داریم با شناخت ویژگی‌های واقعی پیمان‌های منطقه‌ای به ابعاد اثرگذار آنها در توسعه زنجیره ارزش منطقه‌ای پی ببریم، نیاز داریم موردهای مطالعه را حتی الامکان همان‌گونه که در واقعیت هستند و بدون جداکردن آنها از بافت حاکم مورد بررسی قرار دهیم و لذا مطالعه موردی رویکرد مناسبی خواهد بود. براساس پیشنهاد این انتخاب موارد مطالعه باید به گونه‌ای باشد که در عین وجود شباهت نسبی، تفاوت قابل ملاحظه‌ای هم بین آنها وجود داشته باشد که بتوان آنها را براساس نظریه مورد نظر با هم مقایسه نمود (Yin, 2003).

بر این اساس، در ادامه بخش قبل که به مرور مطالعات نظری حوزه زنجیره ارزش منطقه‌ای و استخراج یک چارچوب مفهومی برای تبیین نقش پیمان‌های منطقه‌ای در تقویت این زنجیره‌ها پرداخته شد، با مرور منابع کتابخانه‌ای، سه تجربه برجسته اتحادیه‌های منطقه‌ای انتخاب شد که شامل اتحادیه آسه.ان، اوراسیا و جامعه توسعه جنوب آفریقا می‌شود.

سپس، داده‌های پژوهش از طریق بررسی هدفمند و دقیق منابع کتابخانه‌ای و گزارش‌های لاتین معتبر حوزه زنجیره‌های ارزش با تاکید بر این سه اتحادیه به دست آمد. سپس این داده‌ها با استفاده از روش تحلیل محتوای سطحی تجزیه و تحلیل شدند و رهیافت‌های قابل قبول برای استفاده در راهبردهای جمهوری اسلامی ایران حاصل شد.

۴. یافته‌های مطالعه موردی سه پیمان منطقه‌ای منتخب

در ادامه این پژوهش با استفاده از چارچوب مفهومی جدول ۲ به بررسی ویژگی‌ها و آثار پیمان‌های منطقه‌ای منتخب بر توسعه زنجیره‌های ارزش خواهیم پرداخت.

بدون تردید فهم و شناخت زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای بدون مطالعه رهیافت تجربه‌های موفق در این زمینه امکان‌پذیر نیست. یکی از مولفه‌های کلیدی ایجاد زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای، تقویت پیمان‌ها و اتحادیه‌های اقتصادی است. در این راستا، اتحادیه‌ها بایستی برای مشارکت در زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای، به طراحی استراتژی‌های توسعه صنعتی مشترک بپردازند و همه کشورهای عضو یک اتحادیه به اهمیت حضور در زنجیره ارزش منطقه‌ای پی ببرند. چراکه ممکن است در سیاست‌ها و نهادهای تجاری و توسعه‌ای هم افزایی وجود نداشته باشد.

از سوی دیگر، ایجاد زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای حول یک پیمان یا اتحادیه نیازمند توسعه ظرفیت تولید داخلی کشورهای عضو است. اگرچه زیرساخت یک پیش نیاز محسوب می‌شود، اما برای تحقق مشارکت گسترده‌تر شرکت‌های محلی در زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای کافی نیست. این شرکت‌ها به حمایت و افزایش قدرت چانه‌زنی برای معامله با شرکت‌های خارجی نیاز دارند. همچنین، اتحادیه‌ها و پیمان‌های منطقه‌ای که تمایل به تشکیل زنجیره ارزش منطقه‌ای دارند باید یک چارچوب قوی زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی در راستای توسعه پایدار ارائه دهند. مثلاً در حوزه محیط زیست، چالش انتشار گازهای گلخانه‌ای و نحوه توزیع آن در امتداد زنجیره‌های ارزش در سراسر منطقه در راستای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای مستلزم یک رویکرد منطقه‌ای هماهنگ برای یافتن یک راه حل جمعی است (ASEAN- Japan centre, 2019: 29-31).

برای بازخوانی تجارب اتحادیه‌های منطقه‌ای در ایجاد یا تقویت زنجیره ارزش منطقه‌ای در این پژوهش دو اتحادیه اقتصادی منطقه‌ای در آسیا و یک نمونه در جنوب آفریقا انتخاب شده است. اتحادیه آ.سه.آن به عنوان یک اتحادیه با سابقه و موفق در ایجاد حلقه‌های مشترک صنعتی در کشورهای عضو و اتحادیه اوراسیا به عنوان یک اتحادیه نوپا و در عین حال اتحادیه‌ای که ایران اخیراً به عضویت آن درآمده است و لذا می‌تواند یک فرصت مهم بالفعل برای ایجاد زنجیره‌های تولید با مشارکت ایران قلمداد شود، انتخاب و بررسی شده است. اتحادیه توسعه جنوب آفریقا نیز مشتمل بر کشورهای در حال توسعه‌ای است که با محوریت کشور آفریقای جنوبی شکل گرفته است و روشن شدن ابعاد تبدیل شدن آفریقای جنوبی به یک هاب تولید منطقه‌ای می‌تواند برای کشور ما هم درس‌آموزی داشته باشد.

۴-۱. اتحادیه کشورهای جنوب شرق آسیا

اتحادیه کشورهای جنوب شرق آسیا که بیشتر با نام اختصاری آ.سه.آن (ASEAN) شناخته می‌شود، یک سازمان بین‌المللی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در آسیای جنوب شرقی است. این سازمان در سال ۱۹۶۷ توسط تایلند، اندونزی، مالزی، سنگاپور و فیلیپین برای همبستگی علیه گسترش کمونیست‌ها در ویتنام و شورش‌های درون مرزی خود این کشورها تأسیس شد.

پس از دهه‌ها تلاش برای تبدیل آسیای جنوب شرقی به یک اقتصاد منطقه‌ای انعطاف‌پذیر، آ.سه.آن اولویت‌های خود را از کاهش یا رفع موانع تجاری و ایجاد محیطی مساعد برای سرمایه‌گذاران خارجی، به سمت تعمیق مشارکت منطقه‌ای در زنجیره‌های ارزش تغییر داده است (Djafar and Milberg, 2020: 1-2). در واقع، پس از دوره‌هایی از تکامل سیاست صنعتی، از تمرکز بر جایگزینی واردات در دهه ۱۹۶۰ تا رشد صادرات محور در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ و سپس تمرکز بر تعمیق مشارکت در زنجیره ارزش جهانی، آ.سه.آن به عنوان یکی از پویاترین مناطق اقتصادی در جهان ظاهر شده است. آ.سه.آن با حذف تعرفه‌ها، حذف موانع غیرتعرفه‌ای در سراسر کشورهای عضو و بهبود استانداردهای عمومی و

انطباق و ارائه حمایت و حقوق برابر برای سرمایه‌گذاران خارجی، پیشرفت‌های چشمگیری در تعمیق مشارکت خود در زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای و جهانی داشته است.

در سال ۱۹۹۲، آ.سه.آن چندین سیاست کلیدی را برای تسریع روند منطقه‌بندی اقتصادی و ادغام در زنجیره‌های ارزش اتخاذ کرد. جریان آزاد کالاها و خدمات سنگ بنای همکاری آ.سه.آن بود که در توافقنامه تجارت آزاد آ.سه.آن (AFTA) برای ایجاد بازار واحد و پایه تولید بین‌المللی و جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تصویب شد. سازوکار اولیه برای دستیابی به اهداف پیش‌بینی‌شده در این موافقت‌نامه، طرح تعرفه ترجیحی مؤثر مشترک^۱ (CEPT) است که بر کاهش تدریجی و حذف تعرفه‌های درون منطقه‌ای و عوارض واردات تا سقف ۵ درصد برای ۹۹ درصد از همه دسته‌های محصولات تاکید دارد (Djafar and Milberg, 2020: 7).

یک دهه بعد، در اجلاس بالی در سال ۲۰۰۳، رهبران آ.سه.آن اعلام کردند که جامعه اقتصادی آ.سه.آن (AEC) هدف جدید یکپارچگی اقتصادی منطقه‌ای تا سال ۲۰۱۵ را دنبال خواهد کرد و طرح CEPT (توافق شده قبلی) را با توافقنامه تجارت کالاهای ATIGA جایگزین کرد که در سال ۲۰۰۹ امضا شد. ATIGA توافقنامه CEPT را تمدید کرد و برنامه‌های کاهش تعرفه کامل و اقدامات غیر تعرفه‌ای، اجرای پنجره واحد آ.سه.آن (ASW) برای تبادل سریع داده‌های استاندارد شده بین آژانس‌های گمرکی کشورهای عضو را پوشش داد. علاوه بر این، ATIGA هزینه انجام کسب و کار و لجستیک را به حداقل می‌رساند، پیوندهای اقتصادی را عمیق‌تر می‌کند، صرفه‌جویی بیشتری در مقیاس برای شرکت‌های آ.سه.آن ایجاد می‌کند و محیط سرمایه‌گذاری رقابتی را حفظ می‌نماید. با این حال، موفقیت آینده سیاست صنعتی آ.سه.آن به توانایی آن در حفظ سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بستگی دارد. در سال ۲۰۱۲ آ.سه.آن مفاد خود را برای حمایت از سرمایه‌گذاران از طریق اجرای توافق‌نامه‌های سرمایه‌گذاری جامع آ.سه.آن (ACIA) ارتقا داد. هدف ACIA به عنوان یک ابزار اقتصادی ایجاد یک محیط سرمایه‌گذاری آزاد، تسهیل‌کننده، شفاف و رقابتی در آ.سه.آن و ادغام اقتصادی منطقه‌ای بیشتر است. در طول دو تا سه دهه گذشته، آ.سه.آن شبکه‌های منطقه‌ای را در بخش‌های بالادستی و پایین دستی زنجیره ارزش ایجاد کرده است؛ به طوری که **مجموع مشارکت آ.سه.آن در زنجیره ارزش جهانی از سال ۲۰۰۵ تقریباً در همان سطح باقی مانده، اما مشارکت در زنجیره ارزش منطقه‌ای به طور**

مداوم در حال افزایش بوده است. اگرچه کشورهای عضو آ.سه.آن در شبکه‌های تولید بین‌المللی مشارکت دارند، به نظر می‌رسد که تأکید بیشتری بر شبکه‌های تولید منطقه‌ای پیدا کرده‌اند. این مشارکت قوی در زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای در بخش‌های مختلف، از تولید مواد غذایی و پوشاک گرفته تا تلفن‌های هوشمند و خودرو، وجود دارد. این منطقه همچنین در ارائه خدمات لجستیک و خدمات مالی نیز در حال رشد است. این صنایع به جای اینکه در سطح جهانی گسترش یابد، تمایل به گسترش

^۱Common Effective Preferential Tariff Scheme

در منطقه دارند. با این حال، حتی برای این صنایع، ۷۰ تا ۸۰ درصد از شبکه‌های تولید با کشورهای خارج از آ.سه. آن است. به طور کلی، صنایع اولیه (که بر تبدیل و استخراج مواد خام تمرکز دارند) و ثالث (خدمات) نسبت به بخش ثانویه (تولید) که در گستره جهانی تری قرار دارد، تمایل به گسترش منطقه‌ای بیشتری دارند (ASEAN- Japan centre, 2019: 16).

برخی از برنامه‌های اقدام کلیدی مشخص شده در AEC 2025 شامل افزایش مشارکت بخش خصوصی با تأکید خاص بر توسعه شرکت‌های کوچک و متوسط (SME) است. این حوزه سیاست در پاسخ به نیاز به بهبود توزیع اقتصادی و مشارکت تامین‌کنندگان محلی در زنجیره تامین منطقه‌ای است. آ.سه. آن مفاد جدیدی را گنجانده است تا فرصت‌ها و منابع بهتری را برای شرکت‌های کوچک و متوسط فراهم کند تا سهم خود را از مشارکت افزایش دهند و محدودیت‌هایی مانند هزینه‌های بالای صادرات را کاهش دهند. در همین راستا، دولت‌های کشورهای آ.سه. آن دسترسی به منابع مالی خارجی و داخلی را برای شرکت‌های کوچک و متوسط تسهیل می‌کنند. با ظهور فناوری مرتبط با خدمات مالی، مانند تامین مالی ابری و فین‌تک، شرایط مالی برای توسعه شرکت‌های کوچک و متوسط و سهم آنها در اقتصادهای آ.سه. آن در حال بهبود است. شرکت‌های کوچک و متوسط اکثریت (بالا تر از ۹۰ درصد) شرکت‌های تجاری در آسیای جنوب شرقی را تشکیل می‌دهند و ۵۸ تا ۹۱ درصد از نیروی کار داخلی را به کار می‌گیرند و بیش از ۵۰ درصد از تولید ناخالص داخلی آ.سه. آن را تشکیل می‌دهند.

همه این موارد نشان دهنده عملکرد مناسب آ.سه. آن در خلق تجارت، کاهش هزینه‌های تولید، تخصیص عوامل تولید و مشوق‌های رقابت و نوآوری با تأکید بر شرکت‌های کوچک و متوسط است.

فهم تقویت زنجیره‌های ارزش در سطح یک صنعت مشخص بسیار ملموس‌تر خواهد بود، به عنوان مثال نقش این اتحادیه در تشکیل صنعت خودرو در ابعاد منطقه‌ای جالب توجه است. آ.سه. آن نقش مهمی در حصول اطمینان از بهره‌مندی منطقه از تولید جهانی در خودرو داشته و برنامه‌های متعددی برای ادغام منابع و اشتراک بازار بین کشورهای عضو برای ایجاد صرفه‌جویی در مقیاس اجرا شده است تا به کشورها امکان دادوستد قطعات و اجزاء مختلف در فرآیند تولید از مبداهای مختلف با هزینه‌های کمتر می‌دهد. علاوه بر این، طرح‌هایی برای همکاری بین شرکت‌های خودروسازی برای افزایش تجارت درون آ.سه. آن و تشویق جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و انتقال فناوری اجرا شده است (Djafar and Milberg, 2020: 19).

البته باید توجه داشت خودروسازان ژاپنی به ویژه تویوتا و تا حدودی کیا کره جنوبی، نقش کلیدی در تبدیل منطقه به عنوان قطب تولید خودرو داشتند. این مجموعه‌ها «روابط» تجاری جدیدی با نهادهای تصمیم‌گیر در کشورهای منطقه خود ایجاد کردند. رشد صنعت خودرو در آ.سه. آن با منافع سیاسی داخلی رژیم‌های کنونی نیز همخوانی دارد. توسعه صنعت خودرو مسلماً یکی از موفقیت‌های این منطقه محسوب می‌شود که مستقیماً از سیاست‌های صنعتی هماهنگ منطقه‌ای آ.سه. آن بیرون آمده است.

امروز، آ.سه.آن به عنوان قطب تولید خودرو منطقه‌ای با تولید قطعات خودرو در سراسر کشورهای عضو شناخته می‌شود.

آ.سه.آن به طور کلی در سال ۲۰۱۵ ارزش افزوده ۵۵ میلیارد دلاری در تجارت تجهیزات حمل و نقل داشت که بیش از ۱۰ برابر بیشتر از سال ۱۹۹۰ است. تایلند با ۲۸ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۵ بزرگ‌ترین صادرکننده است و پس از آن مالزی با ۳ میلیارد دلار قرار دارد (ASEAN- Japan centre, 2019: 18). با این حال، تجارت خودروی آ.سه.آن بیشتر به بازار منطقه‌ای اختصاص دارد. یک سوم صادرات آن به کشورهای عضو آ.سه.آن می‌رود و اگر صادرات به کشورهای آ.سه.آن پلاس ۳ (چین، ژاپن و کره جنوبی) در نظر گرفته شود، به بیش از ۵۰ درصد می‌رسد (Pasadilla, 2023: 161).

۴-۲. اتحادیه اقتصادی اوراسیا

معاهده مربوط به تأسیس اتحادیه اقتصادی اوراسیا (EEU) در ۲۰۱۴ امضا شد و در سال ۲۰۱۵ شروع به کار کرد. هدف اصلی آن تشکیل بازار مشترک کالاها، خدمات، سرمایه و منابع نیروی کار کشورهای عضو آن است. روسیه، قزاقستان و بلاروس اولین معاهده خود را برای ایجاد اتحادیه گمرکی در سال ۱۹۹۵ امضا کردند. بعداً قرقیزستان، ازبکستان و تاجیکستان به آنها پیوستند اما تشکیل کامل اتحادیه گمرکی تنها در سال ۲۰۱۰ اتفاق افتاد (Ustyuzhanina, 2016: 4). جمهوری اسلامی ایران نیز در دی سال ۱۴۰۱ با اتحادیه اوراسیا توافق‌نامه تجارت آزاد امضا کرد. اتحادیه اوراسیا به عنوان یک بلوک اقتصادی با ۱۸۳ میلیون نفر جمعیت فعال و تولید ناخالص داخلی ۱۹۰۰ میلیارد دلار، دارای رتبه اول در تولید نفت، رتبه دوم در تولید گاز و رتبه چهارم در تولید برق است که یکی از پر رونق‌ترین بازارهای سرمایه‌گذاری در جهان به شمار می‌آید.

در تجارت داخلی کالا بیشترین سهم متعلق به محصولات معدنی است که حدود ۸۰ درصد آن توسط فدراسیون روسیه تأمین می‌شود. ماشین‌آلات، تجهیزات و وسایل نقلیه ۲۱,۵ درصد از حجم تجارت متقابل را تشکیل می‌دهند (سهم روسیه ۶۲,۴ درصد و سهم بلاروس ۳۵,۳ درصد). محصولات غذایی و مواد خام کشاورزی ۱۳,۹ درصد از حجم تجارت متقابل را تشکیل می‌دهند و فلزات و محصولات فلزی ۱۱,۳ درصد سهم دارند (Ustyuzhanina, 2016: 5). اصلی‌ترین کشور این اتحادیه روسیه به شمار می‌رود. روسیه با همکاری در اتحادیه اقتصادی اوراسیا (EEU) به دنبال آن است که نقش خود را در تقسیم کار بین‌المللی تقویت کند. جهت‌گیری به سمت شرق فرصتی برای شروع ساخت زنجیره‌های ارزش جدید است که در آن روسیه می‌تواند نقش یک ادغام‌کننده جهانی را ایفا کند. در فقدان چنین همکاری‌هایی، عموماً یک کشور نمی‌تواند برای ارتقا موقعیت خود در تقسیم کار جهانی استفاده کند (Ustyuzhanina, 2016: 2).

در زمینه انرژی هسته‌ای روسیه و قزاقستان پروژه مشترکی را اجرا می‌کنند که شامل استخراج مشترک اورانیوم در قزاقستان و به دنبال آن غنی‌سازی اورانیوم در روسیه و ساخت مشترک دو نیروگاه هسته‌ای

در قزاقستان است. علاوه بر این، دو کشور در حال برنامه‌ریزی برای فروش اورانیوم غنی شده و سوخت هسته‌ای و ایجاد یک مرکز مشترک برای تحقیقات علمی و آزمایش راکتورهای هسته‌ای در قزاقستان هستند. این پروژه رقابتی محسوب می‌شود زیرا قزاقستان دارای ذخایر قابل توجه اورانیوم است و روسیه ۴۰ درصد بازار جهانی در خدمات غنی‌سازی اورانیوم و ۱۷ درصد بازار جهانی در تامین سوخت هسته‌ای را در اختیار دارد (Ustyuzhanina, 2016: 6). پروژه‌ای که توسط روسیه و ارمنستان اجرا می‌شود تا حدودی پیچیده‌تر است. یک شرکت معدنی ارمنی- روسی اکتشاف ذخایر اورانیوم در ارمنستان را انجام می‌دهد. اورانیوم استخراج شده در ارمنستان قرار است در مرکز بین‌المللی غنی‌سازی اورانیوم در شهر آنگارسک روسیه فرآوری شود و سپس به نیروگاه‌های هسته‌ای ارمنستان عرضه گردد.

در صنعت خودرو، روسیه پروژه‌های مشترکی را با بلاروس و قزاقستان اجرا می‌کند. در حال حاضر ۷۷ کارخانه مونتاژ محصولات بلاروسی در روسیه وجود دارد. در قزاقستان ۱۸ کارخانه مشترک قزاقستان- روسی و ۱۱ کارخانه تولید مشترک قزاقستان- بلاروس وجود دارد. روسیه و قزاقستان پروژه مشترکی را برای تولید کاماز سنگین اجرا می‌کنند (Ustyuzhanina, 2016: 7). نیمی از مواد و اجزای وارداتی کارخانه‌های خودروسازی بلاروس از روسیه است. به نوبه خود، بلاروس به سایر کشورها (از جمله روسیه) محصولات نهایی (اتومبیل، تراکتور، کمباین و غیره) را که با استفاده از مواد و قطعات روسی ساخته شده بودند صادر می‌کند. کمباین‌های بلاروسی، کمپرسی‌ها، تراکتورها و تجهیزات بالابر در فدراسیون روسیه مونتاژ می‌شوند. علاوه بر این، اتحادیه اقتصادی اوراسیا توافق‌نامه‌ای با ویتنام برای مونتاژ کامیون‌های روسی و بلاروسی با ظرفیت بالا (تا ۹۰ تن) و فروش مشترک این کامیون‌ها به کشورهای عضو آ.سه.آن (انجمن کشورهای جنوب شرق آسیا) امضا کرده است (Ustyuzhanina, 2016: 8).

تجزیه و تحلیل فوق نشان می‌دهد که اثر خلق تجارت، کاهش هزینه‌های تولید، تخصیص عوامل تولید و مشوق‌های رقابت و نوآوری با ادغام بیش از پیش کشورهای عضو اوراسیا می‌تواند فرصت‌های بیشتری برای ایجاد زنجیره‌های ارزش رقابتی ایجاد کند. در عین حال، موانع زیادی وجود دارد که مهم‌ترین آنها وخامت اوضاع اقتصادی و سیاست اقتصادی نامشخص کشور اصلی اتحادیه یعنی روسیه است. با این حال، به نسبت رشد اتحادیه اوراسیا، زمزمه‌های تشکیل و تقویت زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای نیز در برنامه‌های آن به چشم می‌خورد.

به عنوان نمونه راهبرد تقویت صنعت داروسازی برای ایجاد و توسعه زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای اتحادیه اقتصادی اوراسیا جالب توجه است. نیاز به توسعه صنعت داروسازی در درجه اول به دلیل وابستگی قابل توجه بازارهای داخلی اتحادیه به تامین تجهیزات داروسازی و پزشکی از کشورهای ثالث است. علی‌رغم اینکه سهم اتحادیه در بازار جهانی دارو تنها ۲,۶ درصد است، اما افزایش گردش مالی در تجارت متقابل کشورهای اتحادیه و کاهش حجم واردات از کشورهای غیرعضو گواه توسعه پایدار صنعت داروسازی است. با این حال، تولید داروی مدرن یک فرآیند پیچیده محسوب می‌شود. برای توسعه یک محصول دارویی موثر، سرمایه‌گذاری عظیم و منابع علمی متخصص مورد نیاز است. با این وجود، محققین اولویت

اصلی در توسعه شبکه‌ها را هم‌افزایی منابع با مناطق همسایه و جستجوی همکاری متقابل سودمند با شرکت‌های پیشروی مستقر در همان منطقه می‌دانند (Frolova et al, 2021: 2).

بازار دارویی کشورهای اتحادیه اقتصادی اوراسیا در مجموع یکی از پویاترین و سریع‌ترین بازارهای جهانی در حال رشد است که رشد تجمعی آن قبل از همه‌گیری کرونا حدود ۱۰٪ بود. از سال ۲۰۱۵، زمانی که حجم محصولات دارویی تولید شده در کشورهای اتحادیه اقتصادی اوراسیا به ۵۳۷۲,۳ میلیون دلار رسید، حجم تولید به طور پیوسته رشد کرد و بازار محصولات دارویی در سال ۲۰۱۸ به ارزش ۹۲۴۳ میلیون دلار افزایش یافت. رشدی که در مقایسه با سال ۲۰۱۴ بالغ بر ۳۶ درصد برآورد می‌شود. سازماندهی این حجم از تولید مرحله جدیدی در پیوستن اوراسیا به زنجیره‌های ارزش دارویی به شمار می‌رود که پس از همه‌گیری کرونا تسریع شده است. هرچند که حجم تجارت درون منطقه‌ای دارو در کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا در حال افزایش است؛ اما سهم آن در کل تجارت بین‌المللی با همه کشورها بسیار کم ارزیابی می‌شود و نمی‌توان آن را بیش از ۴,۵٪ محاسبه کرد. دلیل آن واردات عظیم (محصولات و قطعات نهایی) از کشورهای اروپایی است. به عنوان مثال، در قزاقستان، کارخانه‌های پیشرو با فناوری‌های مدرن ساخته شده‌اند، اما آنها فقط به «مونتاژ» مشغول هستند؛ مواد وارداتی به شرکت‌ها عرضه می‌شوند و داروها، عمدتاً محصولات ژنریک و سپس بسته‌بندی می‌شوند. بنابراین کشورهای عضو باید سرمایه‌های خود را جمع کنند و با هم مرحله تحقیق و توسعه در زنجیره ارزش منطقه‌ای را آغاز نمایند. سپس فعالیت تولیدی مشترک را با سرعت بیشتری پی بگیرند. در این راستا، روسیه و قزاقستان به عنوان اصلی‌ترین دارندگان صنایع داروسازی اتحادیه اوراسیا به دنبال تشکیل یک کنسرسیوم استراتژیک منطقه‌ای هستند تا منابع سرمایه‌گذاری را در مرحله تحقیق و توسعه متمرکز کنند و از تخصص همه کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا در گسترش زنجیره ارزش منطقه‌ای داروسازی بهره ببرند (Frolova et al, 2021: 8).

۳-۴. جامعه توسعه جنوب آفریقا

در قاره آفریقا، انتظار می‌رود هماهنگ‌سازی فرآیندهای مختلف آزادسازی تجاری از طریق منطقه آزاد تجاری قاره آفریقا (AfCFTA) تجارت و سرمایه‌گذاری منطقه‌ای را تقویت کند و انگیزه بیشتری به تلاش‌ها برای رفع موانع محدودکننده تجارت بین‌آفریقایی بدهد. این امر، فرصت‌های جدیدی را برای سرمایه‌گذاری در کالاها و خدمات، ساخت زنجیره ارزش منطقه‌ای و پیشبرد برنامه صنعتی‌سازی منطقه‌ای قاره ارائه می‌دهد. در جنوب آفریقا، منطقه آزاد تجاری قاره آفریقا فرصت‌های جدیدی را برای تحکیم موقعیت آفریقای جنوبی و تنوع بخشیدن به پیوندهای عقب مانده منطقه‌ای آن به عنوان قطب رشد تجارت منطقه‌ای فراهم می‌کند (Banga and Balchin, 2023: 347). علاوه بر این، تجارت منطقه‌ای در جامعه توسعه جنوب آفریقا (SADC) هم از نظر ارزش و هم به‌عنوان سهمی از کل صادرات، به شدت رشد کرده و از ۲۰ درصد در سال ۲۰۰۰ به ۲۵ درصد در سال ۲۰۱۶ افزایش یافته است. این

رشد در صادرات به طور نسبی ناشی از رشد قوی منطقه و همچنین کاهش موانع تعرفه‌ای با اجرای توافق‌نامه تجارت آزاد از سال ۲۰۰۰، سهام تجارت داخل جامعه توسعه جنوب آفریقا ابتدا تا اواسط دهه ۲۰۰۰ کاهش یافت، اما سپس در سال ۲۰۱۶ به ۲۳ درصد رسید. بنابراین، دوره پس از ۲۰۰۰ یکی از مشخصه‌های اهمیت فزاینده جنوب آفریقا در تجارت جهانی و همچنین افزایش ادغام در بازار منطقه‌ای است (Black et al, 2021: 41).

با این حال، فقدان تنوع یا تمایز محصول در تولید و تجارت در منطقه به این معناست که کشورهای جنوب آفریقا تمایل به تولید و صادرات محصولات مشابه دارند و دامنه تجارت درون منطقه‌ای را محدود می‌کند. همچنین، موانع تجاری قابل توجهی در منطقه با وجود پیشرفت در آزادسازی تجارت درون منطقه‌ای از طریق پروتکل تجارت جامعه توسعه جنوب آفریقا و اخیراً از طریق منطقه آزاد تجاری قاره آفریقا وجود دارد. اینها شامل طیفی از موانع غیر تعرفه‌ای، حمایت از صنایع جدید، سهمیه‌بندی و ممنوعیت، الزامات صدور مجوز، زیرساخت‌های لجستیکی ضعیف و اتصال منطقه‌ای، فرآیندهای گمرکی دست و پا گیر و تاخیر در عبور از مرزها و عدم هماهنگی استانداردها می‌شود. البته، عوارض ناشی از همه‌گیری کووید-۱۹، فرآیندهای تجارت منطقه‌ای را تقویت کرده و تجارت فرامرزی را محدودتر کرده است (Banga and Balchin, 2023: 348-349).

در مورد تجارت قاره آفریقا باید گفت که با وابستگی به صادرات مواد خام، سطوح پایین ادغام منطقه‌ای، زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای ضعیف توسعه یافته و تجارت درون منطقه‌ای در جنوب آفریقا، تراز تجاری را به نفع آفریقای جنوبی کرده است. با این حال، با بررسی دقیق‌تر، تصویر ظریف‌تری ظاهر می‌شود. اولاً، صادرات درون منطقه‌ای به مراتب بیشتر از صادرات کالا به خارج از منطقه است. ثانیاً، سطوح تجارت درون جامعه توسعه جنوب آفریقا به عنوان سهمی از کل تجارت در حال افزایش است (یعنی تجارت در حال منطقه‌ای شدن است) و شواهدی از ظهور زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای وجود دارد. ثالثاً، نمونه‌های در حال ظهور واضحی از رشد پویای صادرات کالاهای تولیدی به آفریقای جنوبی از سایر کشورهای منطقه به دست می‌آید که نشان دهنده زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای در حال ظهور است (Black et al, 2021: 39-40).

همانطور که مشاهده شد اثر خلق تجارت، کاهش هزینه‌های تولید، تخصیص عوامل تولید و مشوق‌های رقابت و نوآوری در جامعه توسعه جنوب آفریقا نیز به چشم می‌خورد و در این راستا، زنجیره ارزش منطقه‌ای جنوب آفریقا بر تولید و توسعه محصولات میانی در زنجیره‌های ارزش تمرکز کرده است که در ادامه بدان پرداخته می‌شود.

سیاست‌های توسعه صنعتی منطقه‌ای جامعه توسعه جنوب آفریقا بخش‌های فرآوری کشاورزی و خودرو را برای همکاری بین کشوری و توسعه زنجیره ارزش در اولویت قرار می‌دهد (Banga and Balchin, 2023: 358-359). محصولات میانی شناسایی شده برای تقویت یکپارچگی منطقه‌ای شامل (الف) قطعات و لوازم جانبی وسایل نقلیه، قطعات موتورها و تایرهای لاستیکی. (ب) ماشین‌آلات چاپ برای

برچسب روی داروها. (ج) دستگاه‌های تلفن، قطعات و لوازم جانبی واحدهای پردازش خودکار دیجیتال و داده و (د) نیشکر خام می‌شود. کشورهای جنوب آفریقا، بوتسوانا، نامیبیا، زامبیا و تا حدی موزامبیک، مکرراً به عنوان تامین کنندگان بالقوه رقابتی این نهادهای میانی در تولید محصولات سرب صادر شده توسط آفریقای جنوبی ظاهر می‌شوند. به نظر می‌رسد این کشورها در حال حاضر بهترین موقعیت را برای اتصال به زنجیره ارزش منطقه‌ای به رهبری آفریقای جنوبی دارند. شرکت‌های اصلی آفریقای جنوبی می‌توانند قهرمانان محلی باشند، شبکه منطقه‌ای تولید را رهبری کنند و نقشی محوری در راه‌اندازی فناوری، دانش و مهارت‌ها داشته باشند (Banga and Balchin, 2023: 359). این ترکیب صادرات نشان دهنده فرصتی برای تقویت توسعه صنعتی از طریق تجارت درون منطقه‌ای است.

برای نمونه، صنعت غلات یکی از بزرگ‌ترین صنایع کشاورزی در آفریقای جنوبی است و خوراک دام نقش اصلی در زنجیره تأمین غلات دارد. ذرت بزرگ‌ترین محصول تولیدی مزارع و مهم‌ترین منبع کربوهیدرات در منطقه جامعه توسعه جنوب آفریقا برای مصرف حیوانات و انسان‌ها است و آفریقای جنوبی تولیدکننده اصلی ذرت در منطقه جامعه توسعه جنوب آفریقا محسوب می‌شود. یکی دیگر از نمونه‌های زنجیره ارزش منطقه‌ای با مشارکت آفریقای جنوبی بخش پوشاک است که در آن تولیدکنندگان آفریقای جنوبی با نقل مکان به اسواتینی و لسوتو به دنبال کاهش هزینه‌ها بودند.

۴-۴. مقایسه پیمان‌های منتخب در قالب چارچوب مفهومی تحقیق

همانطور که مشاهده شد پیمان‌های منطقه‌ای از طریق خلق تجارت جدید، کاهش هزینه‌های تجارت، تخصیص عوامل تولید و تشویق به نوآوری و رقابت در توسعه زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای اثرگذار هستند. به عنوان مثال اتحادیه آ.سه.آن در حال تبدیل شدن به یک مرکز تولید رقابتی جهانی برای طیف رو به رشدی از محصولات و خدمات است. آ.سه.آن به یکپارچگی تولید منطقه‌ای و ارتقای رقابت صنعتی برای کشورهای عضو در چندین صنعت استراتژیک کمک کرده است. می‌توان ادعا داشت که موفقیت آتی سیاست صنعتی آ.سه.آن به رشد مستمر تقاضای چین و توانایی کشورهای آ.سه.آن برای ایجاد برخی شرکت‌های رقابتی جهانی و پیشرو در صنایع کلیدی بستگی دارد. در میان سیاستگذاران آ.سه.آن، مشارکت بیشتر در زنجیره‌های ارزش جهانی و انعقاد توافق‌نامه‌های تجارت آزاد ممکن است نقش کلیدی در تحقق چشم‌انداز بزرگ آ.سه.آن برای ایجاد یک بازار واحد و پایه تولید به نام جامعه اقتصادی آ.سه.آن (AEC) تا سال ۲۰۲۵ ایفا کند.

همچنین بررسی نشان داد که ادغام بیش از پیش کشورهای عضو در اتحادیه اوراسیا می‌تواند فرصت‌های بیشتری برای ایجاد زنجیره‌های ارزش رقابتی ایجاد کند. در عین حال، موانع زیادی وجود دارد که مهم‌ترین آنها وخامت اوضاع اقتصادی و سیاست اقتصادی نامشخص کشور اصلی اتحادیه یعنی روسیه است. با این حال، به نسبت رشد اتحادیه اوراسیا، زمزمه‌های تشکیل و تقویت زنجیره‌های ارزش

منطقه‌ای نیز در برنامه‌های آن به چشم می‌خورد. به عنوان نمونه به راهبرد تقویت صنعت داروسازی که در ایجاد و توسعه زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای اتحادیه اقتصادی اوراسیا دنبال می‌شود همچنین، ادغام منطقه‌ای در جنوب آفریقا با محوریت آفریقای جنوبی در حال پیشرفت مداوم است و هدف اصلی آن بهبود چشم‌انداز صنعتی شدن از طریق گسترش بازار منطقه‌ای است. اما برای تبدیل قراردادهای فراگیر به تجارت آزاد واقعی و منطقه‌ای راه درازی در پیش است. در واقع، در بیشتر نمونه‌های موفق ادغام منطقه‌ای، ذی‌نفعان اقتصادی محرک‌های اصلی بوده‌اند و پیوندها و هم‌افزایی قوی بین ادغام منطقه‌ای و توسعه زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای وجود دارد. این مسئله در جنوب آفریقا مستثنا نیست و این منطقه توانسته با تمرکز بر مشارکت فعال در سازوکارهای منطقه‌ای مانند جامعه توسعه جنوب آفریقا و منطقه آزاد تجاری قاره آفریقا به توسعه زنجیره ارزش منطقه‌ای اقدام نماید. نکته مهم آن است که صنایع دارای مزیت همچون صنعت غلات و به ویژه پوشاک نقطه آغاز این زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای در جنوب آفریقا به نظر می‌رسند.

در جدول شماره ۳ خلاصه نتایج مطالعه تطبیقی سه پیمان فوق در ارتباط با هریک از ابعاد چهارگانه اثرگذاری پیمان‌ها بر توسعه زنجیره ارزش منطقه‌ای بیان شده است.

جدول ۳. خلاصه نتیجه مطالعه تطبیقی سه پیمان منطقه‌ای

پیمان‌های تجاری	اثر خلق تجارت	کاهش هزینه‌های تولید	تخصیص عوامل تولید و ایجاد بازار منطقه‌ای	مشوق‌های رقابت و نوآوری
آسه‌آن	- تمرکز بر رشد صادرات محور - کاهش تدریجی و حذف تعرفه‌های درون منطقه‌ای و عوارض واردات - توافقنامه تجارت کالاهای ATIGA	- بهبود استانداردهای عمومی - کاهش هزینه انجام کسب و کار و لجستیک - قطب تولید خودرو - نقش فعال شرکت‌های بزرگ چندملیتی در ایجاد پیوندهای تولید منطقه‌ای و محلی	- توافقنامه تجارت آزاد آ.سه.آن در سال ۱۹۹۲ - تصویب ایجاد بازار واحد و پایه تولید بین‌المللی و جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی - تشکیل جامعه اقتصادی آ.سه.آن (AEC) - سیاست‌های هماهنگ منطقه‌ای آ.سه.آن، مانند طرح (BBC)	- انطباق و ارائه حمایت و حقوق برابر برای سرمایه‌گذاران خارجی - اجرای پنجره واحد آ.سه.آن (ASW) برای تبادل سریع داده‌های استاندارد شده بین آژانس‌های گمرکی کشورهای عضو - اجرای توافق‌نامه‌های سرمایه‌گذاری جامع آ.سه.آن (ACIA) - مشارکت بخش خصوصی با تأکید خاص بر توسعه شرکت‌های کوچک و متوسط
اوراسیا	- انعقاد توافق‌نامه تجارت آزاد	- بیشترین سهم متعلق به محصولات معدنی	- تشکیل بازار مشترک کالاهای، خدمات،	- ایجاد زنجیره‌های ارزش رقابتی در برخی از صنایع مانند صنعت داروسازی

پیمان‌های تجاری	اثر خلق تجارت	کاهش هزینه‌های تولید	تخصیص عوامل تولید و ایجاد بازار منطقه‌ای	مشوق‌های رقابت و نوآوری
	- افزایش حجم تجارت درون منطقه‌ای دارو	- استخراج و غنی‌سازی مشترک اورانیوم - ایجاد کارخانه‌های مشترک در صنعت خودرو	سرمایه و منابع نیروی کار - تشکیل یک کنسرسیوم استراتژیک منطقه‌ای در حوزه داروسازی	
جامعه توسعه جنوب آفریقا	- افزایش تجارت منطقه‌ای در جامعه توسعه جنوب آفریقا (SADC) - کاهش موانع تعرفه‌ای با اجرای توافق‌نامه تجارت آزاد	- تمایل به تولید و صادرات محصولات مشابه - اولویت بخش‌های فرآوری کشاورزی و خودرو برای همکاری بین کشوری	- تشکیل منطقه آزاد تجاری قاره آفریقا	- ایجاد زنجیره‌های ارزش رقابتی در برخی از صنایع مانند صنعت غلات و پوشاک

برای اطمینان از روایی یافته‌های پژوهش، از منابع مختلف در گردآوری داده‌های این پژوهش که به عنوان تکنیک سه سویه سازی شناخته میشود استفاده شد (فلیک، ۲۰۱۸). برای سه سویه سازی ابتدا مقالات موضوع به عنوان پایه نظری مورد بررسی قرار گرفت و مدل نظری تحقیق ارائه شد. سپس سایر منابع ثانویه و تجارب مستند شده پیمانهای مذکور در جدول بالا آورده شده است به عنوان مصادیق مدل نظری ارائه شد. در این خصوص تیم تحقیق با ارائه یافته‌های پژوهش به خبرگان موضوع در چند نوبت به تکمیل این مدل پرداخته اند. در مواردی که اختلاف بین نظرات وجود داشته، با بحث و بررسی بیشتر جمع بندی نهایی و اجماع حاصل شد.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

یکپارچگی تولید در سطوح منطقه‌ای ضمن اینکه کشورهای عضو را به طور نسبی از مزایای تخصصی شدن تولید، افزایش کارایی به واسطه جریان نهاده‌های تولید و دانش و نوآوری بهره‌مند می‌کند، در عین حال توجه بیشتری به مزایای تجارت منطقه‌ای یعنی وجود فاصله جغرافیایی و فرهنگی کم میان کشورهای همجوار و از همه مهم‌تر قدرت گرفتن مناطق در اقتصاد جهانی دارد. خصوصاً در شرایطی که در فقدان این همکاری منطقه‌ای، ممکن است کشورهای در حال توسعه به تنهایی یا قادر به ورود به تولید جهانی نباشند و یا در سطوح پایین آن اسیر شوند. جهش تولید در کشور ما نیز مستلزم متصل شدن صنایع به بازاری بزرگتر و در عین حال رقابتی‌تر از بازار داخلی است که در آن، بنگاه‌ها همزمان با دسترسی بهتر به بازار کشورهای همسایه از طریق قوانین ترجیحی تجارت و زیرساخت‌های

مشترک حمل و نقل، از مزیت‌های نسبی سایر شرکت‌های عضو زنجیره نیز در قالب تولید مشترک بهره می‌برند.

در این تحقیق در پاسخ به سوال مفهوم شناسی زنجیره ارزش منطقه‌ای، ضمن مرور دو زیرساخت آن یعنی زنجیره ارزش جهانی و سپس منطقه‌گرایی، دسته‌بندی از جدیدترین تحقیقات این حوزه ارائه شد تا ابعاد مفهوم نوظهور زنجیره ارزش منطقه‌ای برای محققین و سیاستگذاران روشن‌تر شود. سپس با استخراج یک چارچوب مفهومی برای اثرگذاری پیمان‌های منطقه‌ای در توسعه زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای از پیشینه تحقیقات، نحوه موثر واقع شدن سه پیمان منتخب یعنی آسه آن، اورسیا و جامعه توسعه جنوب آفریقا در چهار محور اثرات خلق تجارت، کاهش هزینه‌های تولید، تخصیص عوامل تولید و مشوق‌های رقابت و نوآوری بررسی شد.

نوآوری اصلی این تحقیق را می‌توان در سطح کلی، مفهوم‌سازی «زنجیره ارزش منطقه‌ای» به عنوان پدیده‌ای که اخیراً مورد توجه بسیار قرار گرفته است و به سبب واقع شدن در تلاقی تجارت/ اقتصاد بین‌الملل با مباحث منطقه‌گرایی و ژئوپلیتیک امروزه اهمیت قابل توجهی پیدا کرده است. از این منظر این تحقیق را می‌توان همسو با تحقیق طهماسبی و همکاران (۱۴۰۲) دانست که به بررسی پیچیدگی‌های منطقه‌گرایی در محیط همسایگی ایران پرداخته و انرژی را ابزار مستعد برای منطقه‌گرایی معرفی می‌کنند. بطور خاص نیز این تحقیق با مطالعه موردی چند پیمان منطقه‌ای منتخب، ابعاد اثرگذاری این سازوکار چندجانبه مهم را در ایجاد زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای شناسایی و معرفی نمود تا سیاستگذاران کشور با آگاهی و آمادگی بیشتری نسبت به کم و کیف بهره‌برداری ایران از این پیمان‌ها اقدام نمایند، همان‌گونه که تحقیقات نشان داده است عدم تقارن کافی میان کشورهای عضو یک منطقه سبب محدود شدن نتایج اقتصادی برای کشورهای عضو می‌شود (González et al., 2023) و یا اینکه لزوماً منطقه‌گرایی فضای سیاست صنعتی کشورها را افزایش نمی‌دهد (Boys & Andreoni, 2023).

در این مسیر، نقش آفرینی جمهوری اسلامی ایران در زنجیره‌های ارزش جهانی و به ویژه منطقه‌ای از اهمیت بالایی برخوردار است. در شرایط فعلی که بازار ایران محافظت شده و در تحریم است، فرصت خوبی برای بلوغ صنایع ایران در بازار داخل ایجاد شده و می‌توان وارد زنجیره ارزش منطقه‌ای شد. در واقع اتخاذ سیاست‌های خودکفایی و جایگزینی واردات به واسطه تحریم، باعث افزایش تنوع محصولات تولیدی در داخل و تولید بسیاری از کالاها از جمله کالاهای پیچیده و دانش بنیان توسط شرکت‌های ایرانی شده است. این سیاست منجر به توسعه زنجیره ارزش در داخل کشور و ایجاد شرکت‌های داخلی چه در سطح شرکت‌های رهبر زنجیره و چه در سطح شرکت‌های مشارکت کننده در زنجیره ارزش شده که به کاهش ارزی و افزایش تاب‌آوری اقتصاد منجر شده است. در ایران در صنایعی همچون صنایع دفاعی، انرژی و پتروشیمی، دارو و تجهیزات پزشکی، لوازم خانگی، خودرو و ... زنجیره ارزش ابعاد معناداری در داخل پیدا کرده است و ظرفیت ایجاد و یا مشارکت در زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای را دارند که عمدتاً کشورهای همسایه ما فاقد این صنایع هستند.

اما نقطه ضعف اساسی صنایع داخلی عدم رقابت پذیری کالاهای تولید داخل است. به عنوان مثال اگر به فهرست محصولات دانش بنیان تولید شده در کشور نگاهی بیاندازیم با پیچیدگی اقتصادی بالایی مشابه کشورهای پیشرفته روبرو می‌شویم اما اگر به محصولات صادراتی توجه کنیم در صادرات عمده این محصولات موفق نبوده و پیچیدگی محصولات صادراتی کشور بسیار پایین است. برای رفع این مشکل می‌بایست اقدامات متعددی از جمله رعایت اقتصاد مقیاس تولید و رقابت بهینه، ارتقای استانداردهای بین‌المللی کیفی تولید، جذب سرمایه‌گذاری خارجی در کنار سایر سیاست‌های رقابت‌پذیری صنعتی را بکار گرفت.

علاوه بر این، با رشد روند منطقه‌گرایی و ایجاد قطب‌های منطقه‌ای قدرت و ثروت در نقاط استراتژیک جهان، منطقه غرب آسیا می‌تواند ظرفیت بالقوه ایجاد یا پیوستن به زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای با محوریت ایران را داشته باشد. البته در این بین توجه به رقابت منطقه‌ای شدید در غرب آسیا و نقش‌آفرینی کشورهایی مانند ترکیه، عربستان، امارت و قطر ضروری است. به صورت سنتی ترکیه در بخش صنعت و خدمات یک رقیب جدی برای ایران محسوب می‌شود و کشورهای حوزه خلیج فارس در بخش انرژی با ایران به رقابت پرداخته‌اند که در سال‌های اخیر سرمایه‌گذاری زیادی برای نقش‌آفرینی در حوزه ترانزیت، گردشگری و فناوری‌های پیشرفته نیز کرده‌اند. در برخی صنایع، طراحی پروژه‌های مشترک با کشورهای رقیب و تلاش برای الگوگیری از نحوه همکاری کشورهای شرق آسیا در توسعه همکاری‌های اقتصادی در عین وجود رقابت می‌تواند مفید باشد. همینطور با در نظر گرفتن برنامه‌های توسعه زنجیره ارزش قدرت‌های فرامنطقه‌ای مانند چین و هند و آمریکا می‌توان در بعضی حوزه‌ها به رقابت با کشورهای منطقه پرداخت. لازمه این رویکرد طراحی سیاست توسعه صنعتی با در نظر گرفتن اقدامات رقابتی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است که کمتر در طراحی برنامه‌های توسعه مورد توجه قرار گرفته است.

امضای تفاهم‌نامه تجارت آزاد با اتحادیه اوراسیا و آغاز کاهش تعرفه‌های تجاری در تجارت میان ایران و کشورهای این نهاد منطقه‌ای، ظرفیت‌های کم نظیری را پیش‌روی جمهوری اسلامی ایران قرار می‌دهد تا به زنجیره صنایع دارای مزیت نسبی این اتحادیه (از جمله داروسازی و مواد غذایی) متصل شود و از مزایای آن بهره‌مند گردد. ایران در صادرات به کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا که از نظر سطح توسعه یافتگی طیف گسترده‌ای را تشکیل می‌دهد دارای ظرفیت صادراتی است. این امر می‌تواند زمینه مناسبی را برای صادرات کشورمان به منظور افزایش مبادلات تجاری با آنها فراهم کند. البته همچنان این سوال مهم باقی است که تسهیلات تجاری ایجاد شده تا چه اندازه می‌تواند به صادرات کالاهای منبع پایه یا حمایت پایه کمک کند و تا چه میزان به صادرات کالاهای قابلیت پایه؟ یا به تعبیر دیگر سیر تکامل ارزش وزنی کالای صادراتی ایران به این بازارها چگونه باید طی شود تا از نقطه‌ای قابل قبول و شدنی در حال حاضر آغاز و به نقطه‌ای مطلوب در آینده نزدیک برسد؟ بر این اساس پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آتی رابطه میان چهار اثر خلق تجارت، کاهش هزینه‌های تولید، تخصیص عوامل

تولید و مشوق‌های رقابت و نوآوری بر یکدیگر و بر ابعاد سیاست داخلی کشورها به ویژه در حوزه فناوری و نوآوری بررسی شود تا مشخص گردد چگونه می‌توان ضمن بهره‌گیری از اثرات خلق تجارت و کاهش هزینه‌های تولید، آمادگی کشور را برای رقابت و نوآوری افزایش داد به گونه‌ای که شاهد ارتقای ارزش وزنی صادرات و حرکت از صادرات کالاهای با ارزش افزوده کم به ارزش افزوده بالا باشیم.

بر این اساس، توسعه همکاری‌های اقتصادی و بازرگانی ایران به ویژه در بخش‌های تامین‌کننده مواد اولیه صنعتی نظیر فلزات اساسی و صنایع پتروشیمی با این دسته از کشورها می‌تواند دسترسی آسان آنان به سرمایه و فناوری موجود ایران را فراهم نماید. در عرصه وضع قوانین و سیاست‌های مرتبط در کشور، می‌توان گفت بسیاری از مفاهیم پایه حضور در زنجیره‌های ارزش جهانی در قوانین و برنامه‌های کشور ذکر شده است (از جمله قانون برنامه ششم و هفتم توسعه)، هرچند مشخص نیست تا چه اندازه فهم دقیقی از برخی مفاهیم محوری آن وجود داشته تا منجر به سیاست‌گذاری دقیق و هدفمند شود. مثلاً نگاه حادی و قرار گرفتن در یک سر طیفِ دوگانه متداول موسوم به «جایگزینی واردات» (ایجاد زنجیره‌های ارزشی ملی که امید است صادراتی شوند!) و یا «توسعه صادرات» (حضور در زنجیره‌های ارزش جهانی، فارغ از ملاحظات مربوط به تعارضات ایران و غرب)، سبب شده است رویکرد متعادل و بومی تدوین نشود. همین امر باعث شده سیاست‌های روشن، منسجم و موثری در این حوزه نداشته باشیم. رویکرد اخیر دولت سیزدهم در ارتباط با همسایگان و توسعه تجارت منطقه‌ای، واقع‌بینی لازم برای انطباق با سیاست‌های خارجی بلندمدت کشور (عدم اتکا به غرب) را داراست؛ هرچند هنوز دولت برنامه مشخصی برای توسعه نوعی از تجارت منطقه‌ای که متکی بر مزیت‌های نسبی، رقابتی و همچنین ژئوپلیتیک کشور باشد ارائه نکرده است که ظرفیت تبدیل شدن به جریانی مداوم از تجارت در قالب تولید فرامرزی میان ایران و کشورهای منطقه را دارا باشد. این تحقیق به شفاف‌تر شدن مفهوم و ابعاد تولید منطقه‌ای کمک نموده است.

منابع

- برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۰-۱۳۹۶) (۱۳۹۶)، <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/1014547>
- بزرگی، وحید (۱۳۹۵)، «مشارکت در زنجیره های جهانی ارزش: راهبرد تازه توسعه»، اطلاعات سیاسی- اقتصادی، شماره ۳۰۵.
- تمنایی، محمد (۱۴۰۲)، «طرح شبکه‌ی یکپارچه‌ی فرآوری و ترابری (شیفت) را به عنوان کلان‌راهبردی برای شکوفایی اقتصادی عدالت‌محور و پایدار ایران»، قابل دسترس در: <https://news.iut.ac.ir/news/32496>
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۹۳)، نظریه‌های منطقه‌گرایی و رژیم‌های بین‌المللی، تهران: مخاطب.
- شریعتی‌نیا، محسن (۱۳۹۵)، «کمر بند اقتصادی جاده ابریشم: زنجیره ارزش چین‌محور»، فصلنامه روابط خارجی، دوره هشتم، شماره ۳.
- طرح ارتقای مشارکت فعالان اقتصادی در زنجیره تولید بین‌المللی (۱۴۰۱)، <https://rc.majlis.ir/en/law/show/1756340>
- طهماسبی، سیامک؛ کریمی‌پور، داود و فرتوک زاده، حمیدرضا (۱۴۰۲)، «کاربست انرژی برق در توسعه اقتصادی- صنعتی کشورهای محور مقاومت با رویکرد ژئواستراتژی و ژئواکونومی»، فصلنامه اقتصاد دفاع و توسعه پایدار، ۸ (۲۷)، ۵۴-۳۹.
- عباسی اشلقی، مجید و دامن پاک جامی، مرتضی (۱۳۹۲)، «جمهوری اسلامی ایران و سازمان همکاری‌های اقتصادی اکو، بیست سال پس از گسترش این سازمان»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، دوره نوزدهم، شماره ۸۴.
- فرتوک زاده، حمیدرضا (۱۴۰۲)، «ابتکار ایلاف: برای بازآفرینی مزیت های ژئواکونومیک ایران در چهارراه تاریخی راه ابریشم»، دوره ۱۷، شماره ۱ - شماره پیاپی ۵۹.
- قنبرلو، عبدالله (۱۳۹۵)، اقتصاد سیاسی بین‌الملل: نظریه‌ها، مسائل، تحولات، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۴۰۲)، «ابتکار راهبردی ایران؛ چنانچه جدید و بازتعریف نقش ایران در اقتصاد جهان؛ ۱. خنثی سازی تحریم به چه معناست؟»، شماره مسلسل ۱۸۹۴۲.
- نجارزاده، رضا؛ درگاهی، حسن؛ عاقلی، لطفعلی و بیابانی خامنه، کاظم (۱۳۹۹)، «اندازه‌گیری شاخص‌های وضعیت اقتصاد ایران در زنجیره‌های جهانی ارزش و مقایسه با کشورهای منتخب»، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، دوره ۲۸، شماره ۹۴.
- نجارزاده، رضا؛ یآوری، کاظم و شقاقی شهری، وحید (۱۳۸۴)، «همگرایی اقتصادی- منطقه‌ای و تأثیر آن بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و رشد اقتصادی (مطالعه موردی کشورهای عضو منا)»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، دوره پنجم، شماره ۳.
- Anthony Black, Lawrence Edwards, Faizel Ismail, Brian Makundi & Mike Morris (2021), "The role of regional value chains in fostering regional integration in Southern Africa", *Development Southern Africa*, 38:1.
- ASEAN- Japan centre (2019). *Global Value Chains in ASEANA Regional Perspective*.
- Asian Development bank (2021). "Global Value Chain Development Report 2021 Beyond Production", at the university of international business and economics, the World trade organization, the institute of Developing economies – Japan external trade organization, and the China Development Research Foundation.
- Baldwin, R., & Ito, T. (2021). The smile curve: Evolving sources of value added in manufacturing. *Canadian Journal of Economics/Revue canadienne d'économique*, 54(4), 1842-1880.
- Banga, Karishma and Balchin, Neil (2023), "Linking Southern Africa to South Africa's exports: New opportunities for regional value chains", *World Economy*, 46.

- Boys, J., & Andreoni, A. (2023). Does regionalism increase industrial policy space? An analytical framework applied to the East African textiles and apparel sector. *Third World Quarterly*, 44(8), 1680-1698.
- Carr, C. (2005). Are German, Japanese and Anglo-Saxon strategic decision styles still divergent in the context of globalization?. *Journal of management Studies*, 42(6), 1155-1188.
- de Araújo, Inacio Fernandes, Fernando Salgueiro Perobellib, Weslem Rodrigues Faria (2021). "Regional and global patterns of participation in value chains: Evidence from Brazil", *International Economics*, 165.
- Djafar, Budi A. and Milberg, William (2020). "Global Value Chains and Regionally Coordinated Industrial Policy: The Case of ASEAN", *The Oxford Handbook of Industrial Policy* Edited by Arkebe Oqubay, Christopher Cramer, Ha-Joon Chang, and Richard Kozul-Wright.
- Draper, Peter (2012). "The Shifting Geography of Global Value Chains: Implications for Developing Countries and Trade Policy", *World Economic Forum*
- Elena Ustyuzhanina (2016): The Eurasian Union and global value chains, *European Politics and Society*, DOI: 10.1080/23745118.2016.1171273
- Enderwick, Peter and Buckle, Peter (2020). "Rising regionalization: will the post-COVID-19 world see a retreat from globalization?", *TRANSNATIONAL CORPORATIONS*, Volume 27, Number 2.
- Flick, U. (2018). *Designing qualitative research*. Sage Publication. UK.
- Friedman, T. L. 2005. *The world is flat: A brief history of the twenty-first century*. New York, NY: Farrar, Straus and Giroux
- Frolova, Elena, Turgel, Irina, Ishukov, Alexander and Abdurahmanova, Zulparuza. (2021), "Peculiarities of the EEU countries interaction in pharmaceutical value chains in pandemic period", *SHS Web of Conferences* 114.
- Gereffi, G., & Fernandez, K. (2016). *Global Value Chain Analysis: A Primer*, 2nd Edition. The Duke Center on Globalization, Governance & Competitiveness
- Gereffi, G., (2019) *Economic upgrading in global value chains*, in *HANDBOOK ON GLOBAL VALUE CHAINS* edited by Ponte, S., Gereffi, G., and Raj-Reichert, G., Edward Elgar Publishing, Inc, USA
- González, G. H., García-González, J. D., Gómez-Medina, J. S., & Corbella, V. I. (2023). Regionalization of Latin America based on asymmetries in the absorptive capacity of countries. *The Journal of Economic Asymmetries*, 27, e00291.
- Hulke, Carolin and Diez, Javier Revilla (2022). "Understanding regional value chain evolution in peripheral areas through governance interactions – An institutional layering approach", *Applied Geography*, Volume 139.
- Lina Yu, Yaxiu Sun, Xinran Liu & Tao Wang (2023) "Does regional value chain participation affect global value chain positions? Evidence from China", *Economic Research Ekonomiska Istraživanja*, 36:2.
- Livesey, F. 2018. Unpacking the possibilities of deglobalisation. *Cambridge Journal of Regions, Economy and Society*, 11(1): 177–187.
- Mudambi, R. (2008). Location, Control and Innovation in Knowledge-Intensive Industries. *Journal of Economic Geography*, 8(5), 699-725.
- OECD, WTO and World Bank Group. 2014. *Global Value Chains: Challenges, Opportunities and Implications for Policy*. Geneva: World Trade Organization.
- Pasadilla, Gloria (2023). "Technology, Global Value Chains, and Jobs: Continuing ASEAN's Role in Transformed Global Value Chains", *ASEAN and Global Value Chains (LOCKING IN RESILIENCE AND SUSTAINABILITY), ASIAN DEVELOPMENT BANK*.
- Pasquali, G., Barrientos, S and Maggie Opondo(2021) "Polycentric governance of global and domestic horticulture value chains: shifting standards in Kenyan fresh fruit and vegetables". *GDI Working Paper 2021-060*. Manchester: The University of Manchester.
- Pietrobelli, C., Rabellotti, R., & Van Assche, A. (2021). Making sense of global value chain-oriented policies: The trifecta of tasks, linkages, and firms. *Journal of International Business Policy*, 4(3), 327–346. <https://doi.org/10.1057/s42214-021-00117-6>
- Pu, Y., Li, Y., & Zhang, J. (2023). Features and evolution of the 'Belt and Road' regional value chain: Complex network analysis. *The World Economy*, 46(7), 2134-2156.
- Ruta, Michele. 2017. "Preferential Trade Agreements and Global Value Chains: Theory, Evidence, and Open Questions". *Policy Research Working Paper; No. 8190*. © World Bank, Washington, DC.

- Stöllinger, Roman, Doris Hanzl-Weiss, Sandra Leitner, and Robert Stehrer (2018). "Global and Regional Value Chains: How Important, How Different?", The Vienna Institute for International Economic Studies Wiener Institut für Internationale Wirtschaftsvergleiche.
- Suder, G., Liesch, P. W., Inomata, S., Mihailova, I., & Meng, B. (2015). The evolving geography of production hubs and regional value chains across East Asia: Trade in value-added. *Journal of World Business*, 50(3), 404-416.
- United Nations. (2023). *World Investment Report 2023: Investing in sustainable energy for all*. New York.
- van Ginkel H (2004) Regionalism and the United Nations. UNU Global Seminar, 4th Kanazawa Session, 'Globalization and Regionalism', 20–23 November.
- World Trade Organization. 2014. *World Trade Report 2014*. Geneva: World.
- World Bank. (2020). *World Development Report 2020 :Trading for Development in the Age of Global Value Chains*. Washington, DC: World Bank. <https://doi.org/10.1596/978-1-4648-1457-0>
- Yin, R. K. (2003). *Case study research: Design and methods*. Third edition, Sage publications.
- Yu, Lina, Yaxiu Sun, Xinran Liu & Tao Wang (2023). "Does regional value chain participation affect global value chain positions? Evidence from China", *Economic Research-Ekonomska Istraživanja*, VOL. 36, NO. 1.
- Yuzhu, Wang. 2020. "New Regionalism Reshaping the Future of Globalization", *China Quarterly of International Strategic Studies*, Vol. 6, No. 2, 249–265.